بنام خدا

امید

هفته نامهٔ مردم افغانستان

در امریکا نسخه $1.50

شمارهٔ ۱۰۱۸

شمارهٔ اول /سال بیست و پنجم / دوشنبه ۱۳ ثور ۱۳۹۵ / ۲ می ۲۰۱۶/ شمارهٔ مسلسل ۱۰۱۸

افغان مینی مارکیت عرضه کنندهٔ انواع مواد خوراکهٔ وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبت تقدیم میکند

ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با

Western Union

6566 Backlick Rd.Springfield. VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

بیمهٔ استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®

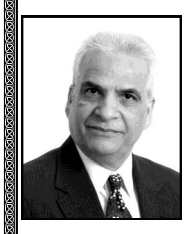

For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت

STATE FARM Auto Life Fire INSURANCE

نمرهٔ اخلاق انسان (یک) است .
در پهلوی آن (یک صفر) برای دیانت ،
یک (صفر) برای علم و یک (صفر) هم برای ثروت
که جمعاً می شود (یک هزار)،
حال اگر اخلاق نباشد ، نمرهٔ انسان می شود (صفر)
یعنی ارزش انسان دارای دیانت و علم و ثروت، اما فاقد اخلاق، (صفر) است !

حمله بر کابل ۶۴کشته و ۳۴۷زخمی داشت

۲۰اپریل/کابل ـبی بی سی: روز گذشته کابل شاهد یکی از خونین‌ترین حملات طالبان بود.دولت افغانستان برای بررسی حادثه دیروز، هیئتی رابه رهبری اداره امنیت ملی موظف کرده است. رئیس جمهور افغانستان حمله طالبان رامحکوم کردو گفت: ما تاحال اراده کشتن شما رانداشتیم، شماما رامجبور ساختید. غنی خطاب به آنان گفت: میدانید به کی کارمیکنید؟ به دشمنان افغانستان. میدانیدآلت دست کی هستید؟ یکبارسربه گریبان کنیدوفکر کنید.

در ساعات اول روز سه شنبه ۳۱حمل (فروردین) دو مهاجم انتحاری ساختمان واحدمحافظت رجال برجسته مربوط اداره امنیت ملی افغانستان راهدف قرار دادند. مهاجم اول کامیون پرازمواد منفجره را دریک ایستگاه پر ازدحام درکنار شعبه اداره امنیت ملی منفجر کرد وسپس مهاجم دوم به ساختمان وارد شد و درگیری میان نیروهای امنیتی افغان ومهاجم آغازشد. صدای مهیب انفجار در چند کیلومتری و نقاط مختلف کابل شنیده شد .

طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفت و آنرا بخشی از عملیات تابستانی (عمری) خود اعلام کرد. صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله گفت شمار کشته‌های حمله دیروز در کابل به ۶۴نفر و شمار زخمی‌ها به ۳۴۷نفر رسیده است. به گفته مقام‌های امنیتی بیشترقربانیان حمله دیروزغیرنظامیان هستند. بعداز رویداداین حادثه، شماری ازمردم شهر کابل برای اهدای خون به زخمی‌ها به شفاخانه های این شهر شتافتند. بصیر مجاهد سخنگوی پلیس کابل به بی‌بی‌سی گفته که شمار کشته شدگان انفجار امروز به ۲۸نفر رسیده و ۱۸۲زخمی در بیمارستان‌ها هنوز تحت درمان هستند.آقای مجاهد گفت که شمار زخمیان بیشتر بود امابرخی ازآنها پس از درمان مرخص شدند و آن‌هایی که نیاز به مواظبت بیشتر داشتند، در بیمارستان‌ها ماندند.

پیشتراسماعیل کاووسی سخنگوی وزارت صحت شمارزخمیان را ۳۲۷ نفر اعلام کرد. صدیق صدیقی سخنگوی وزارت داخله گفته درین رویداد ابتدا یکی ازدومهاجم انتحاری موترحاوی صدها کیلو گرم موادمنفجره رادرداخل یک سرای شخصی که درعقب ساختمان واحد محافظت رجال برجسته مربوط اداره امنیت ملی موقعیت دارد، منفجر کرد. این انفجار باعث تخریب بخشی از دیوار ساختمان شد و زمینه ورود مهاجم دومی به درون این ساختمان رافراهم کرد، امااو هم پس از درگیری با نیروهای امنیتی از پا درآمد .

سیدانور رحمتی مشاورامورسیاسی وروابط بین الملل سروردانش معاون رئیس جمهوری گفته که عباس دانش برادرزاده آقای دانش هم درمیان کشته شدگان این انفجاربود. عباس دانش کارمند بخش واحدمحافظت رجال برجسته اداره امنیت ملی و در حال آموزش در یک کلاس درسی بود که کشته شد.پلیس کابل گفت انفجار دریک ایستگاه پرازدحام در کنار این شعبه اداره امنیت ملی روی دادوبیشتر قربانیان غیرنظامیان هستند. طالبان مسئولیت انفجار رابرعهده گرفت. وزارت صحت گفته که آمار زخمیان در حال افزایش است

شدت این انفجاربحدی بود که صدای آن درمرکزشهرو بخش‌هایی از شرق و شمال پایتخت شنیده شد. محل انفجار باکاخ ریاست جمهور و وزارت دفاع و چندمرکزمهم دولتی فاصله چندانی ندارد. یک کارمند کاخ ریاست جمهوردر فیسبوک خودنوشت: انفجارامروز به حدی قوی بود که قبل ازانفجار زمین لرزیدوهمزمان باصدای انفجارشیشه‌ها ریخت، همه جارا دود و خاک پوشاند. چشمان و گلوی همه همکاران راسوزش گرفته است.

این انفجارمحکومیت گسترده رابدنبال داشت. اشرف غنی احمدزی این حمله را محکوم کرده و دفتر اودر اعلامیه نوشت: حمله تروریستی امروز درنزدیک پل محمودخان کابل نشانه واضحی از شکست دشمن در جنگ رو در رو با نیرو های امنیتی کشور می‌باشد.عبدالله رئیس اجرائی پس ازین انفجاربه محل رویداد رفت وباشماری دیگرازمقامهای ارشد دولتی با انتشار اعلامیه های جداگانه این حمله رامحکوم کردند. سفارت امریکا درافغانستان هم ضمن محکوم کردن این حمله، آنرااقدامی خشونت آمیز و بی معنی خواند. دفترسازمان ملل درافغانستان ـ یوناما ـ گفت طالبان با بمبگذاری دریک محل به شدت پرازدحام نشان دادند که به زندگی غیرنظامیان اهمیتی قایل نیستند. حمله دیروز کابل واکنشهای شدید داخلی وخارجی را درپی داشت. بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل، حمله طالبان را محکوم کردو گفت باید با تروریسم مبارزه شود.

بمب کنار جاده دوباره کابل را لرزاند

۱۹ اپریل/کابل ـبی بی سی: سه شنبه شب ساعاتی پس از یک انفجار مرگبار در کابل، انفجاردومی رویداد. وزارت داخله گفت این انفجار ناشی از یک بمب کنارجاده بود.سخنگوی وزارت داخله گفت این انفجار تلفاتی درپی نداشت. منابعی گفتنداین بمب در منطقه شیرپور جاسازی شده بوده است، محلهٔ درمرکز کابل که شمار زیادی از مقامات عالی‌رتبه دولت افغانستان در آنجا زندگی می کنند .

کمک ۶۰۰ ملیون دالری کرزی برای تقویت طالبان

۲۳ اپریل/لندن ـ تایمزلندن: تایمزلندن نوشت حامد کرزی طی هفت سال ماموریت اش، ۶۰۰ ملیون دالر رابرای تقویت طالبان ازپول بیت المال و امداد کشورها برای آبادی و رفع گرسنگی در افغانستان، به مصرف رسانده است. تایمزهمچنان ازکمک کرزی به۵ مرکز آموزشی طالبان در قندز، فاریاب، هیرمند، ننگرهار و لوگر سخن گفته بود. درحالیکه مصرف پول ازخزانه معارف افغانستان برای گروههای جنگی حزب اسلامی هم، بدون تفاهم بارئیس جمهور پیشین امکان عملی شدن، نداشت.

اگر همه این ادعا ها درست باشند، نخست باید فرمان پرداخت هزاران دالرمصارف ماهانه کرزی لغو گردد، تا نوبت برسد به حذف نامش از میدان هوایی کابل و پاسخگویی در برابر قربانیان ترور و محیط ناسالم زیستی شهر کابل .

چگونگی حمله بر ریاست امنیت. نعیم کوچی کیست؟

۲۱ اپریل/ کابل ـخبرگزاریها : یک موتربار بری مملو ازموادمنفجره از درون سرای مربوط به حاجی نعیم کوچی، این ریاست را آماج قرارداد. سپس چند حمله کننده ها از راه همین سرای به این ریاست حمله کردند و یکی از حمله کننده ها از راه همین سرای فرار کرد. در این رویداد ۵۲ کارمند این ریاست جان باختند.

ریاست امنیت رجال برجستهٔ سیاسی، در همسایگی مسجد عیدگاه موقعیت دارد. تمامی طرف‌های این ریاست به شدت محافظت می‌شد، اما در غرب این ریاست سرایی است مربوط به حاجی نعیم کوچی، یکی از افراد پرنفوذ کوچیان. بنابرگزارش طلوع نیوز، موتر پر از مواد منفجره از جاده میوند به درون این سرای آمده بود و در کنار دیوار این ریاست توقف کرده بود.

درکمتر ازیک دقیقه پس ازتوقف، موترمنفجر شد و دیوار میان این ریاست و سرای حاجی نعیم کوچی فرو ریخت. در این رویداد حدود ۱۵کارمندتازهٔ این نهادامنیتی که درپشت این دیوار آموزش می دیدند، جان باختند. دونگهبان این ریاست که بر دو برج نگهبانی می کردند و ۵ کارمند دیگر این ریاست در سه ساختمان دیگر نیز در نتیجهٔ موج این انفجارجان باختند. درحدوددودقیقه پس ازین رویداد، چندتفنگدار، که لباس کارمندان امنیت رجال برجستهٔ سیاسی را بر تن داشتند، ازراه سرای حاجی نعیم کوچی به این ریاست حمله کردند. مهاجمان در نخستین ساختمان این ریاست، که بخش آموزشی این ریاست است، حدود ۲۰ کارمنداین ریاست را گلوله باران کردند. ۱۰ کارمند دیگر این ریاست، که به گوشهٔ پنهان شده بودند، نیز از سوی حمله کننده ها کشته شدند.

این درگیری بیش از ۲ساعت ادامه داشت یکی از این حمله کننده ها پس از دورکردن لباسهای نظامی‌ازراه سرای نعیم کوچی فرارکرد.در این رویداد ده‌ها موتر دولتی که در سرای حاجی نعیم کوچی ایستاد بودند، ویران شدند و رانندگان شماری از این موترها جان باختند.

رئیس‌جمهور نزدیک به سه ماه پیش، رئیس و ۲معاون ریاست امنیت رجال برجسته رابرکنارکرد و دربیشتر از سه ماه اخیر، این ریاست از سوی سرپرست اداره میشد. رییس‌جمهورمدیر تدارکات شفاخانه سردار محمد داؤود را به حیث سرپرست این اداره تعیین کرده بود.

از سوی دیگر، مقام‌های این ریاست در سال‌های اخیر سرای حاجی نعیم کوچی را بخش آسیب پذیر شناسایی کرده بودند و کوشیده بودند تا این سرای را استملاک کنند، اما گفته می‌شود که به علت نفوذی که حاجی نعیم کوچی دارد، این کار انجام نشده بود.

نعیم کوچی کیست؟ فرمانده یک واحدکلان نظامی طالبان در زمان حکومت این گروه بود که پس ازشکست طالبان این فردتوسط امریکا بازداشت و چهارسال را در بازداشتگاه گوانتانامو زندانی بود. نعیم کوچی با وساطت حامدکرزی ازگوانتانامو به افغانستان آورده شدو سپس آزاد گردید.پسرش درشورای ملی به عنوان نماینده کوچی ها برگزیده شد .

ناتو از طرح چندین حملهٔ طالبان هشدار داد

۲۶ اپریل/کابل ـصدای امریکا: نیروهای بین المللی درافغانستان هشدار دادند که شورشیان وابسته به حقانی وطالبان برای انجام حملات درچندین ولایت طرح میکنند. این نیروهابا نشرخبرنامه از۸ شورشی مظنون نام برده که قصد انجام حملات را در پروان، خوست، کابل و لوگربرضد مردم افغانستان دارند. ناتو حتا نام شورشیان و ولایاتی راکه در نظراست حملات انجام شود، تذکر داده و از مردم خواسته هرگونه اطلاعات را در مورد این افراد به نیروهای امنیتی اطلاع دهند.

این درحالیست که طالبان نیزازتشدید حملاتشان برتاسیسات و اهداف دولتی درسراسرافغانستان خبرداده اند. اماحکومت افغانستان آنراتبلیغ خوانده واز آمادگی کامل نیروهای امنیتی ودفاعی به دفع وطرد حملات شورشیان مسلح اطمینان داده است.

عقب‌نشینی پلیس درمسیرقندهار - ارزگان

۲۶اپریل/کابل ـصدای امریکا: مقامات امنیتی تأییدکردندکه پلیس برخی پوسته‌هارا درشاهراه ارزگان قندهار رها کرده اند؛ اما به گفتهٔ این مقامات رهایی این پوسته‌ها عقب‌نشینی تکتیکی است. رحیم‌الله خان آمرامنیت ارزگان گفت نیروهای امنیتی برای بدست‌آوردن دو بارهٔ مناطق ازدست رفته، عملیات نظامی را رویدست دارند؛ اما هنوز آغاز نشده است.این پوسته‌هابرای تأمین امنیت ترینکوت کندهار در ولسوالی‌های نیش، میانشین و شاه‌ولی کوت افرازشده بود. هرچند رحیم‌الله خان درموردشماردقیق پوسته‌های ازدست رفته چیزی نگفت؛ اما افزودکه نیروهای امنیتی ازدیروزبه اینطرف به دلیل شدت جنگ ونرسیدن به موقع مهمات، ازجاهای اصلی به نقاط حاکم برآن مناطق عقب‌نشینی تکتیکی کرده اند.امایک مقام قوماندانی امنیه ارزگان گفت ۲۱ پوسته درین مسیرازکنترول نیروهای امنیتی خارج شده ویک پوسته اردوی ملی نیز شامل آنان است.

اما طالبان بانشربیانیهٔ ادعاکردندکه ازدوروزگذشته درنتیجهٔ درگیری ها ۲۷ پوسته امنیتی رادرین منطقه تصرف کرده اند. قاری محمد یوسف احمدی یک سخنگوی طالبان با فرستان پیامی به رسانه‌ها ادعا کرده که درین درگیری دو روزه ۲۰ نیروی دولتی کشته شدند. اما مقامات امنیتی ارزگان تلفات نیروهای امنیتی را تأیید نکرده اند.

شاهراه ارزگان – کندهار از دو روز گذشته به روی رفت‌وآمد مردم مسدود بود؛ اما از امروز سه شنبه رفت‌وآمد وسایط آغاز شده است.

ارزگان ازولایات کوهستانی مرکزی است که تمام نیازمندی‌های خود را از یگانه مسیر موجود (مسیرقندهار) اکمال می کند.

دعا به روح ست‌ای‌ش در کلیسا

کلیسایی در سویدن مراسم ویژهٔ نیایش به دربارخداوند (ج) ودعا به روح مرحومه ستایش، برگزارنمود، کشیش این کلیساهمراه با عدهٔ سویدنی هاکه درمراسم حاضربودند، باتقبیح این جنایت، به روان ستایش دعاکردند. درطول مراسم نیایش، عکس ستایش روی پردهٔ تلویزیون کلیسا قرارداشت.

ستایش دخترخردسال مهاجرافغان، درشهر ورامین نزدیک تهران توسط جوان ایرانی موردتجاوزقرارگرفت، سپس شخص متجاوز ستایش را کشته و برصورتش تیزاب انداخت. (خبرگزاریها)

دوستم به دلیل ناآرامی های شمال از سفر به امریکا منصرف شد

۱۹ اپریل/کابل ـبی بی سی: دفترعبدالرشیددوستم، معاون اول رئیس جمهور افغانستان گزارش روزنامه نیویارک تایمزدرموردآقای دوستم را بی‌اساس و غرض آلود خوانده است. نیویورک تایمزدر گزارشی نوشت مقامات امریکابه دولت افغانستان اطلاع داده بودند که درصورت ارائه درخواست ویزابرای جنرال دوستم، آنرا رد خواهندکرد. مقامات امریکااین پیام راتنها چندروزپیش از زمانیکه قراربود آقای دوستم در یک نشست ویژه سازمان ملل در نیویارک شرکت کند، به مقامات افغانستان فرستاده بودند.

عنایت‌الله فرهمند، رئیس دفتردوستم درپیامی درفیسبوک خودنوشت : قراربود این سفرانجام شود، اماناآرامیهای آقچه وقندز باعث انصراف ازین سفرمهم شد. دوستان مااز رسانه‌ها ودیگرهیئت همراه که عازم نیویارک بودند، شاهد هستند که تمامی آمادگی‌ها گرفته شده بود. نیویارک تایمزبه نقل از دومنبع امریکایی وافغان که از آنهانام نبرد، نوشت:دولت افغانستان برای جلوگیری ازیک سر افکندگی عمومی، بصورت فوری وسری سفرآقای دوستم به امریکا را لغو کرد. نیویورک تایمز نوشت دولت اوباما افراد تحت فرمان جنرال دوستم را مسئول کشتارصدهازندانی طالبان درسال ۲۰۰۱ می‌داندو او از نظر دولت امریکا متهم به جنایت جنگی است. نیویارک تایمزنوشت امریکادرتلاش برای شکست طالبان، برای ایجاد دولتی درافغانستان تلاش کردوپول پرداخت که پراز جنگسالاران وزورمندانی است که رفتاربی‌رحمانه آنها به ایجاد جنبش شورشی طالبان در دهه ۱۹۹۰منجر شد.

جنرال دوستم ازمهمترین رهبران جبهه مقاومت علیه طالبان درسال ۲۰۰۱بود که درکنار نیروهای امریکابرای سقوط رژیم طالبان جنگید واخیرادرمصاحبه با صدای امریکاگفت اودوستان زیادی درامریکا داردومیخواهدازنزدیک درمورد مسایل افغانستان با آنها صحبت کند .

انتقاد دوستم از شورای امنیت ملی افغانستان

۲۵اپریل/کابل ـصدای امریکا: عبدالرشیددوستم، معاون اول ریاست جمهور افغانستان ازفقدان اعتماد سران حکومت وحدت ملی و شورای امنیت ابراز نگرانی میکند. آقای دوستم که از یک هفته به اینسو در شمال افغانستان حضوردارد هشدارداد که شماری از افراد درحکومت وحدت ملی بویژه شورای امنیت ملی در برابر سفرها و راه اندازی عملیات نظامی اودرشمال کشور مخالفت دارند.

دوستم گفت هر وقت پیشنهاد می کنیم پیشنهاد ما رد می شود، ازین می ترسند اینهاکه جنرال دوستم می رود این حزب را سرکوب می کند حزب جنبش را تقویت می کند. از صداقت ما نمی داند اینها، نام را ببنید کمک های دنیا را ببنید، هرکدام ما پروفیسر داکتر نام ما سترجنرال، این چهار تا طالب تباه کرد مردم را، ما قلباً از مسئولین امنیتی ناراض استیم، بالای چوکی تکیه زده بشین این جلسه این شد این جلسه شد اخرش هم هیچ !

با این حال دوستم گفت نیرو های امنیتی به تنهایی توانایی شکست دهشت افگنان رادارد اما نبودیک برنامه درست عملیاتی سبب شدتا سرکوب آنها نتایج مثبت در پی نداشته باشد.

مقام های افغان در گذشته گفته بودندعملیات نظامی به رهبری آقای دوستم در شمال کشور به تایید رئیس جمهور اشرف غنی احمدزی صورت می گیرد.آگاهان می گویند جنبش اسلامی به رهبری جنرال عبدالرشید دوستم باعطامحمد نور، سرپرست ولایت بلخ ورئیس اجرایی حزب جمعیت اسلامی افغانستان، درگیر نبرد سرد برای توسعه نفوذ و قدرت است.

یادداشت مدیر

«امید» بیست وپنج ساله شد

روز ۲۵ اپریل سال ۱۹۹۲ برابربا پنجم ثور ۱۳۷۱ خورشیدی، نخستین شمارهٔ هفته نامهٔ امید را درشهر هیوارد، شمال ایالت کالیفورنیا به چاپ رساندم. پیش ازآن دومجله را درهمان منطقه انتشارمیدادم، نخست (مجلهٔ خراسان) را ازآدرس (افغان سنتر)، که مؤسسهٔ برای ارائه خدمات به پناهجویان تازه وارد از افغانستان به کالیفورنیا ایجاد شده بود، از۱۹۸۸تا ۱۹۸۹جمعاًدوازده شماره، وسپس (مجلهٔ نامهٔ خراسان) را ازآدرس(انجمن فرهنگی مهاجرین افغانستان) که درهمان ایالت توسط پدرمرحومم الحاج غلام حضرت کوشان وجمعی از فرهنگیهای هموطن بنیان گذاشته شد، ازنیمهٔ ۱۹۹۰تا اپریل ۱۹۹۲، بازهم جمعاً دوازده شماره، بعنوان مدیرمسئول، خدمت هموطنانم تقدیم کردم.

شایستهٔ گفتن است که نویسندگان بزرگ افغانستان درغربت با آن دومجله و هفته نامهٔ امیدهمکاری داشتند، ازجمله مرحومان داکترسید علی رضوی غزنوی، سیدشمس الدین مجروح، سیدقاسم رشتیا، استاد غلام علی آیین، میر محمدصدیق فرهنگ،پروفیسرصمدعلی حکمت، پروفیسررجب علی طاهری، استادمحمدطاهرهاتف، عبدالرحمن پژواک، غلام حضرت کوشان، بانوعادله فرهادی، عبدالغفورشرر، کبیراحمدآهنگ هروی، پاینده محمد کوشانی، داکتر اخترمحمد مستمندی، داکترمحمدنادرعمر، خلیل الله امین، گل احمد شیفته، محمدایوب عثمانی، زین العابدین عثمانی، پروفیسر عبدالحکیم ضیایی قاضی القضات، دگر جنرال عبدالرزاق قوماندان سابق قوای هوایی ومدافعهٔ هوایی، دگرجنرال محمدنذیر کبیرسراج سابق رئیس لوژستیک اردو، جنرال احمدعلی مودودی، جنرال محمدزکریا ابوی، محمدابراهیم عفیفی، محمدعزیزنعیم، داکتر محمدرفیق شمع ریز، داکترمحمدعثمان هاشمی، استاد فقیرمحمدننگیالی، دگروال ناصرپورن قاسمی، داکتر محمدعزیزسراج، محمدنبی کهزاد، نجات الله خلیلی، داکتر محمداسلم خاموش و شماری دیگر، که ارواح شان شاد باد!

ازعزیزانیکه الحمدلله حیات دارند، جنابان داکترعبدالغفور روان فرهادی، پروفیسرمیرحسین شاه، سیدفقیرعلوی، محمدسعیدفیضی، عبدالودودظفری، محمدنعیم کبیر، پروفیسرداکتر عبدالواسع لطیفی، پروفیسرداکترحمیدهادی، داکترغلام محمد دستگیر، بانوعفیفه هادی، انجنیرعبدالصبورفروزان،داکتر عبدالوهاب هادی، فرهادمیرزا ، استادعبدالرشید بینش، استادعبدالله سمندر غوریانی، بانوعاطفه غوریانی، بانوماری خلیلی ناصری، عبدالاحد ناصرضیایی، انجنیرضیا فرهنگ، محمد طارق فرهادی، محمدنذیرحباب، داکترعنایت الله شهرانی، داکترمحمدافضل افضلی، خواجه بشیراحمدانصاری، استاد احمد راتب، نصیراحمد رازی، عبدالعلی نوراحراری، فضل غنی مجددی، محمد نعیم مجددی، یما شمعریز، داکترنصیراحمد نصری حقشناس، بسم الله بامیانی، سید عزیزالله مرموز، استاد عبدالوهاب مددی، داکتر سید اکبر زیوری، داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ، شبگیرپولادیان، عبدالحی شبگیر، داکترهارون امیرزاده، داکترمحمد فریدیونس، عبدالقیوم ملکزاد، داکترسیدهاشم قطره مظفری، محمودمحجوب، داکترنویدپارسا، داکترمحمداکرم عثمان، داکتر محمدشریف فایض، سیدطیب جواد، عمرصمد، داکترانورالحق احدی، داکترمحمدحیدر (بارکزی)،عبدالرحمن پیمان، ویس ناصری، داکترامین رافق، عبدالشهید رحمانی، نصیرمهرین، صدیق خالد، محمدیوسف صفا، داکترمحمداسماعیل رضایی، استادمرتضی بابقرا، داکتراحمدضیاجاغوری، محی الدین بها، جلیل احمدعثمانی، میرمنیب الله کاظمی، عبدالرؤوف عینی، احمدشاه عبادی، علی احمدهدایت، سید نقیب الله ولی، عابدحسین مدنی، حامدرضوی، داکتر عبدالاحد وفامعصومی، انجنیرمحمدهاشم رایق، غلام دستگیر شوریده، عبد الرحمن نوروز، حیدعلی پیکار، صادق پیکار، رسول فدایی، داکتر محمدطاهر هاشمی، انجنیراحسان الله مایار، داکترمحمد شعیب مجددی، بسم الله بامیانی، حامدحسینی، سیدآقا هنری، عبدالواسع بهادری، قاری سعادت، داکتر محمدسلیم مجاز، سید مرتضی شکوه، جمیله آهنگ،داکترحمیرا نکهت دستگیر زاده، نادیه فضل، سوما قاری، حمیراحمیدی، سارا راحیل مجددی، شهلاپوپل، فوزیه افشاری، لیلاتیموری واحدی، ناهیدوکیلی، نذیره کریمی، لینا روزبه حیدری، سامعه ساعی، محمودمنجم زاده، عبدالخالق بقایی پامیرزاد، محمدقدیر کبیرسراج، محمدطاها کوشان، ودانشمندان گرامی دیگر، که اسمای شان باتأسف ازین لیست بازمانده، ونیز شماری که به دلایل شخصی یا کبرسن، مریضی، ازدست دادن علاقه یامسافرت دیگر نمی نویسند. البته از همهٔ شان باید ممنون بود.

خوب است یادآورشوم هفته نامهٔ امید که ازآغاز تاسال پانزدهم منظماً هر هفته بچاپ میرسید، ازسال۲۰۰۷ بنابرعام شدن انترنت وحضور چهارپنج تلویزیون افغانستانی ازداخل کشورو امریکا درخانه های هموطنان، لاجرم سبب قطع تدریجی اعلانات وآگهی های تجارتی در امید اسباب کاهش عایدآنرا فراهم آوردو دوام انتشار هفتگی ناممکن شد، ازآنزمان تا حال، که تقریباً هیچ آگاهی بازرگانی در امید نیست، نشریه فقط با وجوه اشتراک واعانات دوستان آن امکان چاپ یک هفته درمیان رایافته است. این هم گفتنی است که درتاریخ مطبوعات افغانستان در خارج، هیچ نشریهٔ دیگری توفیق نیافته که به بیست وپنج سالگی رسیده وشمارهٔ انتشارش به ۱۰۱۸برسد ـ وَ أَمّا بنعمته ربّک فَحَدّث .

روش نشراتی وخط مشی امید، ازشروع تاحال صرَاطَ مستقیم وطنَ دوستی بوده، تأکید برمنافع ملی، تمامیت ارضی، عدالت اجتماعی برای آحاد ملت ما، ردّ متداوم وشجاعانهٔ هرنوع خودکامگی، برتریجویی، انحصار طلبی وفاشیسم قومی، زبانی وسمتی بوده، به روشنی کشیدن کجرویهای تاریخی زمامداران که اسباب اینهمه بدبختیهای امروزین ملت مارا فراهم آورده، و کجروی های ارباب قدرت امروزی، و ارایه راه های جلوگیری ازچنان اعمال و افکار، بخش اعظم دیگرنشرات امید راتشکیل داده است. معرفی انتشارات افغانی، طرح مباحث دینی، تاریخی، اقتصادی وفرهنگی نیز در امید جای شایستهٔ خود راداشته است .

برای آگاهی شماخوانندهٔ گرامی ازحال واحوال شرایط کاری بنده درتهیه وچاپ وعرضهٔ نشریه، به عرض میرسانم : درچهارمین سال انتشارامید، بنابر ضرورتهای خانوادگی، درسال ۱۹۹۶ازکالیفورنیا به ورجینیا کوچیدیم، اما در تداوم چاپ امید خللی واردنیامد، درسال ۱۹۹۸ والد بزرگوارم در کالیفورنیا به رحمت حق پیوست، من تا روز چهلم وفات ایشان، بنابررواج معمول، هرروز جمعه به آن ایالت میرفتم ورسم معمول رابجامی آوردم . درسال۲۰۰۹ مادر مهربانم درهمان ایالت برحمت خداوندرفت، وباز ازروزدفن تاچهلم آن مرحومه هرهفته به کالیفورنیارفتم، ولی هیچگاه درچاپ امیدبه وقت موعود تأخیری اتفاق نیفتاد. یگانه تأخیریش ازده روزدرانتشارامیددرنومبر (دنباله درصفحهٔ آخر)

Omaid Weekly
P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi471@gmail.com
ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

مترجم : سیدفقیر علوی — لورتن ـ ورجینیا

مسافرت ناگهانی وزیرخارجهٔ امریکا به افغانستان

(منتشرهٔ واشنگتن پوست)

وزیرخارجهٔ امریکا که روزشنبهٔ گذشته بصورت ناگهانی واردشهر کابل شد، زعمای کشور راتشویق کرد که بایکدیگرهمکاری کنندتا شرایط فعلی کشور بهبود یابدو کشورهای اعانه دهنده درامر کمکهای مالی ونظامی به افغانستان تشویق شوند. جان کری به این علت مسافرت ناگهانی به افغانستان راپذیرفت تا به سران آن کشور که به وساطت وی ۱۸ماه قبل حکومت وحدت ملی را تشکیل داده وبایدبا هم همکاری کنندتا دراخیرسال جاری ممالک کمک دهنده به افغانستان به دوام کمکهای شان تشویق شوند. کری، درحالیکه رئیس جمهور ورئیس اجراییه عقب اوایستاده بودند، گفت: یک رژیم دموکراسی نیازمند موسسات معتمدمیباشد، واین سخنها وقتی ایراد میگردد که قبل برین بارئیس جمهور ورئیس اجراییه افغانستان جدا گانه ملاقاتها صورت داده بود. وی افزود: گذشته ازآن ایجاب میکند که گروههای دارای افکارسیاسی مختلف و درعین حال ازنقاط مختلف افغانستان، که برای ادارهٔ کشوراینجاآمده اند، باید باهم جور بیایند وبرای پیشرفت مملکت، مصدراقدامات شایستهٔ گردند.

داکترغنی وداکترعبدالله پیوسته ادعامیکنند که درانتخابات ریاست جمهوری افغانستان درسال ۲۰۱۴ رأی بیشتربدست آورده اند، ولی قراریکه مشهوداست، هرکدام ازین گروههادرمسایل مختلف، نظر و عقیدهٔ جداگانهٔ دارند وازهمین لحاظ مشکلات مهم مملکت همچنان حل ناشده باقی مانده است.

وی افزودگذشته ازآن عدم همکاری، مایهٔ کاهش اعتماد دولت درین مردم راایجادکرده ودرنتیجه ازیکطرف اقتصاداین کشور راه نزول را می پیمایدواز طرف دیگرموفقیت طالبان، مهاجرین افغان رادراروپاسخت مایوس کرده است.

مسافرت کری، بدون اطلاع قبلی درافغانستان، نشانهٔ عدم ثبات سیاسی در افغانستان وعراق بشمارمیرود. کری پیش ازسفربه افغانستان، سفر ناگهانی رابه بغدادانجام داد، به دلیل اینکه هردو کشوربامشکلات اقتصادی وامنیتی دست و گریبان اند، درحالیکه حکومت امریکا و متحدین آن ناگزیرشدند که بعدازفاجعهٔ ۱۱سپتمبر۲۰۰۱درخلال حملهٔ تروریستی به امریکابکمک ایندو کشور بشتابند.

دربغداد آمادگی گرفته شد تا شهرموصل راکه مرکزمهم نفت است از داعش پس بگیرند، درحالیکه حکومت عراق تحت فشارجهانیان قرارگرفته تابایدهرچه زودتر رشوت واختلاس را ازبین بردارد ودر نتیجه خدمات مفیدی رابرای افراد جامعه فراهم گرداند. امادر افغانستان این نوع تروریسم ساحهٔ وسیعتری اشغال کرده، بدلیل اینکه عقب افتادگی این کشوربه ۴۹٪افزایش یافته است، مخصوصاً وقتی این دوواقعیت نیزاضافه گردد که باخروج نیروهای بین المللی درین سرزمین افزایش خواهدیافت. (نوت: به اساس یک خبرچندمحصل دانشگاه به سبب بیکاری وفقدان امنیت به طالبان پیوسته اند. اینکه هزاران محصل دانشگاه کشورراترک کرده اند، داستان غم انگیز دیگری است.)

یکعده طالبان ناراضی ازشرایط موجود، به افراد داعش پیوسته اندو ازین لحاظ در فقدان امنیت درکشورسهیم اند، ولذادرمناطقی که نفوذ این دسته افزایش یافته، مکاتب مسدود وشاگردان ازنعمت تعلیم و تحصیل محروم اند.

کری درخلال یک مذاکره با صلاح الدین ربانی وزیرخارجهٔ افغانستان، شرایط فعلی این کشور رابایک بازی ورزشی موردمقایسه قرارداد که این چنین مسابقهٔ راباشیم. وی درحالیکه دوبارمسافرت غیر منتظره راانجام داد، افزودکه حالافرصت کافی وجودندارد که این مشکلات رفع گردد. کری دراخیر بصورت جدی گفت که رهبران حکومت وحدت ملی باید قبل ازکنفرانس بین المللی ثابت کنند که قابلیت مدیریت کمکهای بین المللی را دارا میباشند.

کشورهای عضوناتو قراراست درماه جولای در وارسا، پایتخت پولند گردهم آیند وطی این کنفرانس، کمکهای امنیتی باافغانستان رامورد مذاکره قرار خواهند دادوازطرف دیگر درماه اکتوبرقراراست در بروکسل درمورد کمکهای انکشافی افغانستان تصمیم گرفته شود .وی افزود درصورتی این کمکها رابه دست میآوریم که سرازامروز تا روزگشایش کنفرانس، حداعظم تلاش خودرا برای احرازموفقیت بکار ببندیم. وی این سخنان راوقتی ایرادمیکرد که ربانی و وزیرخارجهٔ امریکا درعمارت باشکوه (؟) ارگ درکنارهم نشسته بودند ودر دیوارهاتابلوهای رجال برجستهٔ این کشورجلب توجه میکرد. همچنان او افزود مابايد سعی فراوان بکار ببندیم وبه هراقدامی که دست می زنیم، نتیجهٔ آن بهبود احوال مردم این دیار باشد. چنین مینماید که داکترغنی احمدزی درمحضرعام موافقت خودرابه این شرایط ابراز داشت وبه خبرنگاران گفت وی بایک پلان ریفورم که هدف اساسی آن ازبین بردن رشوت واختلاس درمملکت است، بصورت جدی عملی خواهد کرد .

اقدامات جدی برای بهبوداوضاع افغانستان به کمک حکومت موجود وقتی موردتوجه قرارمیگیرد که تعداد قوای امریکاروبه کاهش بگذارد. درحال حاضر نه هزارسربازامریکا درافغانستان بسرمیبرند و بارک اوباما رئیس جمهورامریکانیز اصراردارد تاپایان جنگ باطالبان، این تعداد نگهداری شود، درحالیکه تعداد آخرین سربازآن بالاخره به ۵۵۰۰ پیش خواهد رفت .

مامورین عالیرتبهٔ امریکا درگرو این عقیده اند که بعداز ورودسربازان این کشوردرسال ۲۰۰۱ پیشرفت قابل توجهی صورت گرفته وکری نیز افزودکه وقتی ۱۴ سال پیش بحیث یک سناتور سفری به این کشور انجام داده بود، تمام کودکان مکاتب راپسران تشکیل میداد اما حالا ثلث این اطفال دختران میباشند.

ذکرچند مطلبی هم ازمترجم این مقاله : داکترغنی احمدزی رئیس جمهور افغانستان درضمن بیان خدماتی که حکومت وحدت ملی انجام داده، افزودکه درنظردارد درجلسات بین المللی در وارسا وبروکسل پلانی راطرح خواهدکرد که چگونه علیه رشوت وسوء استفاده در افغانستان به مبارزه خواهدپرداخت .

خوانندگان محترم امید، این نامهٔ وزین وخواندنی، آگاه خواهندبود که داکتر صاحب وقتی کرسی ریاست جمهوری راآنهم باتقلب وجعل سازی کرزی به دست آورد، قضیهٔ کابل بانک رامجدداً مورد بررسی قرارداد. ازین تصمیم همه تاییدکردند. کابلبانک دردورهٔ حامد کرزی ذریعهٔ برادرش وبردارمرحوم فهیم ورشکست شده بود، اماکرزی برای اینکه پای برادرش درین فاجعه شامل است، دوسیه راهم پنهان به حال تعلیق درآورد. حالااین شخص بابای ملت شده است! چه عمل تحقیرآمیزبرای مردم کشورما. ولی جالب که وقتی دوسیه های کابل بانک روشن شد، باساس ادعای محکمه، وزیرمالیه حکومت کرزی رانیز در جملهٔ مسئولین کابل بانک معرفی گردید به این معنی که (دنباله درصفحهٔ آخر)

پروفیسر داکترحمیدهادی — کرولاینای شمالی

احمدشاه مسعود وارث ندارد !؟

نویسندهٔ محترم آقای احمدولی مسعود برادرمسعودفقید وفعلاً رئیس بنیاد شهیدمسعود، درشمارهٔ ۱۰۱۶نشریهٔ معتبرامید مقالهٔ زیرعنوان (احمدشاه مسعود راهکارملی وموضع خودمان) تحریرداشته ونقاط دلچسپ وقابل تبصرهٔ را ارائه داشته اند.من درین نوشتهٔ مختصرمیخواهم بربعضی نکات آن مقاله روشنی انداخته وضمناً برمفکوره ایکه هنوزهم درمغزپیروان، همسنگران و افرادنزدیک خانوادهٔ محترم مسعودفقید نقش بسته است، اصلاحاتی بیاورم وآنهارا ازیک حقیقت تلخ آگاه نمایم . علاوه برین، درین روزگارسختی که مردم افغانستان درآتش نفاق، محنت وبدبختی می سوزند، میخواهم شمهٔ ازشخصیت والا و اوصاف خجستهٔ مسعودشهیدراباگفتارفلسفی آن رادمردبزرگ تقدیم کنم، تا باشد که دوستان و همسنگران او بدانند که احمدشاه مسعود مرد بینظیری بود، و امروز او وارث ندارد.

آقای احمدولی مسعود درمقالهٔ خود به موضوعات آتی اشاره کرده اند :

ـ مسعودنیروهای عقب نشسته ووفادارخودرا درقالب مقاومت ملی سازمان دهی کرده وسدمحکمی را درمقابل پیشروی سریع طالبان ایجاد توانست .

ـ من کنجکاومیشدم که چراداخل کابل نمی شوید؟ درجواب میگفت که از نظر نظامی میتوانیم داخل شهر کابل شویم، اما ازنظرظرفیت دولتداری آمادگی یک نظام منسجم سیاسی را نداریم .

ـ نزدیک به ۴۰۰ تن ازشخصیتهای برجستهٔ سیاسی وفکرافغانستان برای مدت روز درلندن گردهم آمدند که بنام کنفرانس لندن معروف گردید...بعدازشهادت آمرصاحب مجلس دوم لندن راباجمع بزرگتری باتعهد محکمتر برگزارنمودیم. امانظربه دلیل نبود رهبرمقاومت در صحنه وندانم کاری وبی برنامه گی هاو مشکلات فراوان قابل فهم و هضم نبود. (البته آقای احمدولی مسعود به برنامه یا آجندای ملی و مسوده برای رفع مشکلات افغانستان اشاره میکنند.)

ـ بالاخره یک تیم محدودساختن خارج نشین ازآدرس تکنوکراتهای غربی دردامان آقای خلیلزاد وکرزی واردصحنهٔ سیاست وکشورشده ورشد کردند.

ـ بعدازشهادت آمرصاحب به کابل برگشتم ودراولین اقدام برای پرکردن خلای بزرگ نبودشان تلاش کردم..تاجریان نهضت ملی افغانستان راایجادنمایم!

ـ اگرمسئولین امور بادیدگاههای ما همراهی میکردند بدون تردید بحران چندین لایهٔ امروز دامنگرمردم افغانستان نمی بود !!!

ـ حتی امروزآنچه باعث استمرار ناامنیتی هاویی ثباتی شده، تنها افراطگرایی وتروریسم نیست، بلکه آشفتگیهای سیاسی، روح قدرت طلبی ومعامله ها بالای منافع میباشد.

ـ آقای احمدولی مسعود دراخیر ادعامیکنند که: امروزباردیگر به صراحت اعلام میکنم که درشرایط موجودکشور، اقدام به عملی کردن آجندای ملی بحیث یک طرح شناخته شده وجاافتاده درقالب یک جریان ملی، یگانه راه بیرون رفت ازوضعیت بحرانی موجود کشورمیباشد که بدیل ندارد. !!!

نوشته واظهارات آقای احمدولی مسعود نظرشخصی شان بوده و احساسات شان درچوکات وطنپرستی شان قابل قدرمیباشد. امادیدوتحلیل شان که آجندای ملی ایشان یگانه راه بیرون رفت ازبحران کنونی کشورمیباشد، نه تنهامبالغه بوده بلکه باحقایق تاریخی افغانستان مطابقت ندارد. اظهارات آقای احمدولی مسعود دربارهٔ تولید مقاومت ملی به رهبریت احمدشاه مسعود فقید حقیقت دارد، وبه نظر من فعالیتهای وطنپرستانهٔ مسعود وانسجام مقاومت ملی آن مردبزرگ از ۴۰۰ مردسیاسی کنفرانس لندن زمین تاآسمان تفاوت دارد. به این دلیل : مسعود فقید برای آزادی ودفاع ازتمامیت ارضی کشورطرح بینظیر مقاومت ملی رادرچهار قدم براه انداخت :

درقدم اول برای مقابله بالشکرغول آسا ومتجاوزروسها بامردم خود داخل مذاکره شد، مسعود بامردم عوام ابتدا درپنجشیر وبعدتر در صفحات شمال و متباقی نواحی کشورجداً برای دفاع ازکشور بامردم داخل مذاکره شد ومردم را ازعواقب اسارت وبردگی درزیر یوغ اجنبی آگاه ساخت. وقتی مردم افغانستان به اووعدهٔ جانبازی دادند، قدم دوم را طرح کرد.

درقدم دوم باآنچه که ازسلاح چون تفنگ وتوپ وراکت داشت، جمع آوری کرد ودرمقابل دشمن صف آرایی کرد. مسعود باجاذبهٔ بینظیرخود چنان روحیهٔ مردم رابه هیجان آورد وخون تازهٔ درشرایین مردم بحرکت آوردکه مرد وزن، پیر وجوان هرچه داشتند باچوب و سنگ وچاقو وبرچه وتفنگ و شمشیر دربرابر یک قدرت بزرگ جهان آمادهٔ پیکار شدند.

درقدم سوم، مسعود فقید، این قهرمان بزرگ وحماسه آفرین بانبوغ جنگی، حملهٔ ستراتژیک راشروع وقسمت اعظم شهرهاوقصبات نواحی شمال کشوررا تصرف نموده وقوای خودرا جابجا ساخت .

درقدم چهارم، مسعودبزرگ عملیات نظامی خودرا باکمک سراسری مردم درسراسرکشور براه انداخت که بالاخره منجربه مرگ کمونیسم شد .

وقتی آقای احمدولی مسعود صحبت ازمقاومت ملی مینمایند باید متوجه باشند که درمقاومت مسعود فقید صبروحوصله وتحمل درکار بود. مسعود فقید وقتی شورای نظار رادرسال۱۹۸۳ تأسیس کردند درآن ۱۳۰ قوماندان مجاهدین حصه گرفتند. اینهاهمه مردم اصیل افغانستان بودند نه تکنوکراتهای مغرب نشین وجاسوسهای خارجی. احمدشاه مسعود ازبدخشان، پروان، کاپیسا، بغلان، لغمان، کنرها، تخار وقندز رهبریت جنگهای گوریلایی راعلیه قدرت مخوف اردوی سرخ انتظام بخشید. قوای هزارنفری مسعودبزرگ درسال ۱۹۸۰ افزایش گرفت ودرسال ۱۹۸۵به پنج هزارسرباز رسید. کلاه پکول او سمبول مقاومت شد وبعد ها اشخاص رسوایی چون اسامه بن لادن و اشرف غنی احمدزی این نوع کلاه رابه سرنهادند .

جناب احمدولی مسعود ! برخلاف کنفرانس لندن شما، که چون دربار سلطان محمودغزنوی ۴۰۰ دانشمند وسیاستمدارآسوده حال را جمع نموده بودید، مسعود فقید درسال۱۹۸۲ مردم غریب، گرسنه و برهنه اما وطنپرست را چنان دردفاع ازآزادی وشرافت انسانی آمادهٔ پیکار نمودکه باسی هزارعسکر مسلح روس دردرهٔ پنجشیرپنجه نرم کردند.درسال۱۹۸۹بودکه تاریخ خونریزی اردوی سرخ رادرپنجشیرثبت نمود ونتایج عملیات ناکام Typhoonرادراوراق خودجاداد. منابع موثق میگویند که پالیسی وتکنیک نظامی مسعوددردفاع از کشوربهمهٔ نقاط افغانستان سرایت کرد . جنرال روسی مینویسددرظرف چند روزچهارهزار راکت ازآنطرف دریای آمو بردرهٔ پنجشیرپرتاب شد. (ص ۶)

افغان فونديشن تقديم مى كند :
داکترعزیزغوثی : تاریخ افغانستان از۱۹۱۹ تا۱۹۳۳
با سرنوشت هفت پادشاه ما
برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینهٔ پست)
The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362
Telephone: 805 241 0780

عبدالودود ظفری — المیدا ـ کالیفورنیا

دوام حکومت ناکارهٔ وحدت ملی

ـ حکومت وحدت ملی برای پنج سال می باشد نه دوسال .
ـ تازمانی حکومت مشروع بوده میتواند که هردو رهبردرآن حضورداشته باشند.
ـ غنی ومشاوران درنظرداشتند عبدالله راپس ازپایان دوسال، ازقدرت حذف نمایند.

روزنامهٔ نیویارک تایمز گزارشی رازیرعنوان (جان کیری درپی پایان دادن پرخاش درحکومت وحدت ملی میباشد)، بقلم جواد سخنیار از کابل و مجیب مشغل از مزارشریف، درشمارهٔ ۱۰ اپریل ۲۰۱۶ خودبه نشرسپاریده است. برگردان فارسی گزارش، پس ازیک تبصرهٔ کوتاه تقدیم می گردد.

حکومت وحدت ملی برهبری غنی احمدزی وعبدالله پس ازتقلب خیلی وسیع وشرم آور انتخابات سال ۲۰۱۴ که هردوجانب ادعای پیروزی میکردند وافغانستان درین بست قرارداشت وامکان برخورد های شدیدقومی احساس می شد، بامیانجیگری جان کیری وزیرخارجهٔ امریکا، طی یک موافقتنامهٔ سیاسی، یک ونیم سال پیش ایجادشد. بر اساس موافقتنامه که احمدزی بحیث رئیس جمهوروعبدالله بحیث رئیس اجراییه تعیین شدند، قراربوددرظرف دوسال قانون اساسی ترمیم شود، مقام نخست وزیری بوجودآید، عبدالله بنام نخست وزیر واحمدزی بنام رئیس جمهور بصورت مشارکت ومشورت باهم امور کشوررا مدیریت بدارند.

ازهمان آغاز بسیارروشن بود که این وصلت ناجور واین حکومت دو سره به نفع مردم افغانستان نبوده وکارمفیدی درحل مشکلات عظیم کشور، چون بی امنی، بی ثباتی، بیکاری، کوکنار، فرارجوانان، اقتصادجنگ ومافیایی و نارضایتی عامه انجام داده نمی تواند، زیرا وحدت ومشارکت زمانی مفید و کارگر بوده میتواند که تمام جناحها بانیت پاک ودور ازهمه آلایشها وپلشتیهای زبانی، قومی، سمتی و گروهی، فقط بخاطرتحقق آرمانهاومنافع ملی، قدم بردارندوهیچ ملاحظهٔ دیگری را درنظرنداشته باشند. دیده میشود که هردوجناح، بخصوص طرف غنی احمدزی عاری ازچنان اوصاف عالی بوده، نه تنهابه تعهدات خودبراساس موافقتنامه عمل نکرده وزمینه رابرای حل مشکلات و نابسامانی های مزمن کشورآماده نساخته، بلکه باراه اندازی موانع برای تضعیف جانب مقابل توطئه چیده است.

هردوجناح درمقرریهای مقامات بلنددولتی، اصل شایستگی رادرنظر نگرفته، بیشترکسانی راترجیح داده اند که درجریان مبارزات انتخاباتی ازپولهای اختلاس، دزدی و رشوت، برایشان کمک مالی کرده اند. درحالیکه شخصیتهای شایسته، نیکنام، کارشناس، مسلکی وباتجربه در دانشگاهها، نهادهای اجتماعی ودولتی وجوددارند، وزرای کابینه، مامورین عالیرتبه ومشاوران ریاست جمهوری و ریاست اجراییه اکثر کسانی میباشند که ازکفایت کاری، دانش وتجربهٔ لازم برخوردارنمی باشند. همچنان تقررضیاءالحق امرخیل خاین درجه یک انتخابات، زاخیلوال اختلاسگر بزرگ، ستانکزی قاتل استادربانی و گلاب منگل (دهنهٔ غوری) فروش، لکهٔ ننگی برپیشانی غنی احمدزی وتیم کاری اومیباشد وبدشت قوم پرستی شانرا نشان میدهد.

اشرف غنی احمدزی دربرگزاری لویه جرگه بخاطرتعدیل قانون اساسی و ایجاد پست نخست وزیری وتغییرکامل پراسس انتخابات که درموافقتنامه با پادرمیانی وزیرخارجهٔ امریکا وتشکیل حکومت وحدت ملی وعده داده شده بود، تاحال اقدام جدی ولازم نکرده است، زیرا اوومشاوران تمامیت خواه وی برنامه داشتندتاعبدالله را پس ازپایان دورهٔ ریاست اجراییه ازصحنه دورسازند. ولی پیام مؤکد جان کیری(حکومت وحدت ملی تازمانی مشروعیت داشته میتواند که هردو رهبردرآن حضورداشته باشند.) آن برنامه راقش برآب نمود.

پیام قاطع حکومت امریکابه دوام حکومت وحدت ملی، کسانی را چون حامدکرزی، احدی وگروههای جهادی هاکه چشم براه سقوط حکومت بودند، انتخابات پیش ازوقت میخواستند، طرفدارتشکیل حکومت موقت بودند تاازآن نفع سیاسی برند، ناامیدساخت وخاموش کرد. همینطور پیام وزیرخارجهٔ امریکا هوشداری بودبه طالبان باغی، گروه آدمکش حقانی، شبکهٔ تروریستی القاعده و داعش که نمی توانند با جنگ وخونریزی حکومت راسقوط دهند.

کرزی باید ازعملکردناشایسته وضدمنافع ملی خودکه در۱۴سال زعامت خود که افغانستان رادرهمهٔ ساحات زشت وناروا درجهان درجه اول ساخت، وجداناً خجالت بکشد ودرگوشهٔ پنهان شود.

بامشاهدهٔ عملکردناکام یک ونیم سالهٔ حکومت وحدت ملی، به جرئت گفته میتوانیم که این حکومت درسه ونیم سال آینده هم کار مؤثری کرده نمیتواند، زیرا بیشتروقت خودرادرمنازعه وکشمکش با خودصرف میکند تاحل مشکلات بیشمارمردم وزدودن دشمنان. غنی احمدزی ومشاوران تمامیتخواه وی تلاش سیستماتیک مینمایند که برخلاف تعهدات خود، همکاران عبدالله رئیس اجراییه رابه هر نوع شیطنت که شود ازپهلویش دورسازند. بهمین خاطربه منظور حذف قربان حقجو رئیس نهادتشویق سرمایه گذاری وجنرال ظاهر اغبررئیس المپیک، که هردو جوان پرکار، موفق ومربوط به جناح عبدالله میباشند، توطئه جریان دارد.

احمدزی وحلقهٔ فاشیستی ارگ تصمیم قطعی دارندعطامحمدنور والی موفق وپرکار بلخ راهم از سرراه خودبردارند، زیراوی خارچشم شان بوده وتوانسته است بلخ رابهتر وآبادتر ازساحات دیگرکشور بسازد. درین راه ازفرصت طلبی وبیسوادی دوستم که در برابروعده های موهوم، مقطعی واعطای القاب مفت، زودزودتغییرجهت میدهد، استفاده میکنندتابلخ را ازهرراه ممکن بی ثبات سازند. به همین لحاظ حتاجمعه خان همدرد، قاتل مردم اوزبیک شبرغان رادرکناراو قرارداده اند. دوستم هم درهرفرصت دررسانه هاظاهرمیشودودربرابر غنی احمد زی تجدید پیمان میکند، خودوقوم خودرا وفاداروی می خواند.

اینک برگردان فارسی گزارش نیویارک تایمزتقدیم میگردد:

* * * * *

جان کری وزیرخارجهٔ امریکابروزسه شنبه ۹ اپریل ۲۰۱۶ باپیام حمایت امریکا ازحکومت وحدت ملی افغانستان واردکابل شد. حکومت وحدت ملی ائتلافی است که هم باخودوهم باطالبان جسور درجنگ میباشد! این سفروزیر خارجهٔ امریکا اولین سفرش بکابل می باشد که پس ازتشکیل حکومت وحدت ملی، بامیانجیگری اودرسال ۲۰۱۴ که کشمکشهای انتخاباتی کشوررا بحرانی ساخته بود، شکل گرفت. رئیس جمهورغنی وعبدالله رئیس اجراییه نتوانستند اختلافات خودرا درحالیکه طالبان ساحات نورا به تصرف درآورده اند ودور نمای تاریک اقتصادی جوانان رابه ترک وطن مجبورساخته است، کنار آیند. وزیرخارجهٔ امریکا باآقایان غنی وعبدالله ومامورین ارشد دیدارداشت تاتعهدات هردوجانب رادرتطبیق مواد موافقتنامهٔ مشارکت ستراتژیک راکه میان امریکاو افغانستان امضاشده، ارزیابی نماید.

به منظورتاکیدخطر مقابله باحکومت وحدت ملی، راکتهابه ساحهٔ دیپلوماتیک درکابل، اندکی پس ازعزیمت جان کری ازافغانستان، اصابت کرد. درهماندم معلوم نشد که راکتها تلفات وزخمی هابجا گذاشته باشد ویا خسارات عمده وارد کرده باشد.

امریکادرحدود ده هزارسرباز درچارچوب ماموریت ناتو (دنباله در ص ۸)

محمد طاها کوشان — فریمونت ـ کالیفورنیا

بررسی اجمالی گوشه هایی ازاوضاع کشور

نخست ۲۵سالگی جریده هفته نامه مردم افغانستان، امید را به مدیر فرهیخته ومدبر، همکارن، نویسندگان وخوانندگان گپ رک و راست ومفید به جریانات امروزوفردای میهن؛ خجسته ومیمون میخواهم و ازدرگاه دانا وبینای بخشنده و دستگیردوام زندگی مدیر وهمکاران دانشمند قلمی جریده امیدراخواهانم.

آیاحکومتگران افغانستان با سه واژهٔ : حیا، امانت، صداقت؛آشنایی دارند؟ تا سه چهارصدسال پیش پاچا گردشی یک افسانه بود، سالیان زیادی را دربرمی گرفت تا درکشوری پادشاهی رایا میکشتندیا بمرگ خود ازدنیا چشم میپوشید. تا همین چند سال پیش نیز در دهات دور اگر از پیرمردی می پرسیدی که چی کسی حکومت میکند فورا می گفت: تخت و بختش برقرار ظاهرخان !

اما درین پنجاه سال اززندگانی ما ازلیونی سردارسرخ مامد داؤودخان گرفته تا به اشرپ عنی احمدزی چی ها دیدیم و چی ها کشیدیم که مسلمان نشنود کافر نبیند. یک چند تا بچه های دوران بای داده دوباره به امیدپادشاهی بازهم حلقه بندگی چندین اداره جاسوسی کشور های مختلف را به گردن انداخته در ادارات و دوایر دولتی و یا بنام دیده بانی وحمایت ازحقوق بشرچهارنعل دویده و با پولهای بی حساب؛ اما بیخبر از برنامه های استراتیژیهای سیاسی، اقتصادی و نظامی درازمدتشان درآسیای میانه؛ تنهابه یک چیزپرداختند اینکه همکاری با طالب که بی پرده آشکار بود که نوکر و چاکر باداران پاکستان یعنی انگریز خونریز؛ بودندوهستند وخواهندبودـهی برای مجاهدین جامه وچهرهٔ دگرگونه بدهند ودر اذهان عامه بکوبند وسپاه نوکر و اجیرگردن بسته برای دشمنان اسلام ودرراس پاکستان تدارک ببینند.

ازیکسو بابه بمیان آمدن پدیده خارق العادهٔ بنام اینترنت و فیسبک و مسنجر ووجودجوانان دانشمندو دراک وتیزهوش ازسوی دیگر، کاراین نوکران اجنبی ودشمنان میهن به لنگیدن گرایید.مهمتراینکه اعترافات روسای سابق آی اس آی و رئیس جمهور پیشین پاکستان پرویزمشرف ونیزکتاب اسرارفاش کن رمزفیلد وزیر دفاع سابق امریکا؛ تشت رسواییهای این ارواح خبیثه را ازدارودستهٔ کرزی گرفته تادار ودستهٔ احمدزی ازبام به زیرانداخت. اما این جامد کرزی با بی حیایی وچشم سفیدی تاهنوز اگرچه ازطرف باداران غربی رانده شده، حالا به همراهی و همکاری خلقیها و پرچمی های ملحد راهی آستان بوسی کرملین شده است !

سندادعای اینکه پاکستان چمچه وجا نشین انگریزاست : باآمدن مجاهدین و گرفتن زمام امورافغانستان بدست اولین رئیس حکومت اسلامی مجاهدین توسط صبغت الله مجددی، احتمالا درسال ۱۹۹۴، وزارت خارجه انگریزضمن نامهٔ از وزارتخارجه افغانستان خواست تاتعمیرسابقه سفارت انگریز واقع دامنه باغ بالا را به سفارت پاکستان تحویل بدهند. واینکارصورت گرفت وسفارت پاکستان در آنجا آغازبکارنمود. امادیری نگذشت که مردم آزادیخواه کابل در یک تصمیم خودجوش دست به تظاهرات علیه این اقدام زدند و ادعا داشتند که این کار انگریز همانگونه که نماینده ملکه و کمپنی انگریز در انجا درزمان خود افغانستان را ازآزادی سیاسی محروم نموده بوداین بار بازبه عین شکل چمچه انگریز یعنی پاکستان؛ آزادی سیاسی افغانستان را سلب می نماید؛و در اطراف آن سفارت تجمع کرده و ضمن آن تعمیر را به آتش کشیدند .

اگرچه پروفیسراستاد ربانی شهیدصلح افغانستان در زمانش از این پیشآمد رسما معذرت خواست؛ اماوزیرخارجه وقت پاکستان بابی حیایی و دور ازاخلاق و روش رسمی سیاسی جهان؛ استاد ربانی را احمق خطاب نمود.

جان سخن درین است که در اساس آیا این کار انگریز خونریز یک شیطنت ویهم اندازی دوکشور افغانستان و پاکستان نبود؟ شما در کجای دنیا درعرف سیاسی دیده یاشنیده اید که کشوری خاک خود رابرای یک کشوردیگر به این سادگی واگذار نموده ویامیکند؟ پس بی پرده نمایان است که انگریز خونریز برنامه های ناتمام دارد که با همکاری امریکای مغرور و ولخرج وبیباک کشورهای دیگر را نیز در ادامه برنامه های خویش با زیرکی خاص خود بسیج نموده و برای استیلای کامل منابع زیر وسر زمین دست نخوردهٔ آسیای میانه؛ سر زمین و هم میهنان مارا به آتش و خاک و خون و بربادی کشانیده و این کارشان هنوز ادامه دارد و خدا داند که تا چی زمانی؟

امروزبی پرده نمایان شده میرود که میهن مامیدان بازی قدرتمندان شده و تنهابرای هیزم سوخت شان ازهم میهنان ما کارمیگیرند و آنهم به چی شکلی! اگر بینی یک دوشیزه یا زنی در امریکا یا اروپا یا کانادا و یا آسترالیا بریده یا زخمی و یاهم بالایش تجاوز شود چی برسد به آتش زدن وسربریدن و و و آنگاه ببینید که دنیا سرچپه میشود، اما در میهن ما روزانه چنین اتفاقات می افتد و همه بجز تقبیح هیچ کاری دیگری برای ریشه کن نمودن این مظالم نمی کنند اما هنوز به طالب وجهه حق بجانب را نیز پروپاگند می نمایند تا هرچه بیشتر هم میهن مرا درآتش و خون خاکستر و تباهی بکشانند .

با این بازیهای بزرگ و خطرناک در افغانستان باید شوری امنیت ملل متحد افغانستان رایک منطقه بیطرف آزاد و مرکز بازرگانی اعلان نموده عساکرصلح ملل متحدرا جاگزین همه ارتشی های شیطنت و تفرقه سازد ودست شیطنت وارتش همه کشورهای دنیا را ازافغانستان کوتاه بنماید.

باری نوشته بودم که (اولین رئیس جمهور در جهان که با ریشخندی و تقلب و رسوایی با یک انتخابات پر از تقلب و دروغ های شاخدار گاوی و گوسفندی با آنعده از خلقی های که دیروز ریش گذاشته بودند و از طرف آی اس آی بنام طالب در صفوف طالبان بحیث تانکیست و توپچی و و و بسیج شده بودند؛ امروز نیم شان باریش و پشم و نیم شان بی ریش و با نکتایی باز میخواهند این ملت را به بی دینی و وووو بکشانند. شما کشوری را سراغ دارید که کیش شان عیسوی یا یهودی ولی زن رئیس جمهورش مسلمان باشد؟ ولی همه ریش دراز های مابخیالم ازدین برگشته اند که به ملکه نیم یهودی نیم مسیحی بیعت مینمایند! وشوهرش نام اصلی اورا (لورا) کتمان وبا نام تقلبی (بی بی گلی) معرفی میکند.

پس آن بی دینان چرا ملکه ثریا زن مسلمان و پاکدامن را فتوی داده بودند که باشاه امان الله خان غازی هردو از دین برگشته اند؟ بعد ازین به این مدعیان و تیکه داران بنام مسلمان که دور و بر اشرپ عنی جمع هستند؛ هیچ آگاه از دین و قوانین مملکت؛ باورمند نیستند که راستی اینها مجاهد بودند و مسلمان !

این امت مسیلمه ز افسون یک دو لفظ
بر عرشه شکست نبوت دویده اند بیدل (رح)
پراست آفاق از غولان آدم رو چه ساز است این
به این بی دانشان یا دانشی یا مرگ آگاهی بیدل (رح)

منتشره جریده امید و سایت وزین خاوران جمعه ، ۱۱ مهر ۱۳۹۳.

انتخاب مهره ها ازجانب آقای رئیس جمهور عنی احمدزی هرکدامش داغی و بیچاره وکودن اند: به گونه مثال : آقای باری جهانی وزیراطلاعات وفرهنگ ! زمانیکه به جناب والاازجانب اشرپ عنی احمق زی عرض کردند که شما بحیث وزیراطلاعات وفرهنگ مفتخرشده ایدبرایتان تکت (ایکونومی یعنی اقتصادی ارزان قیمت) خریداری شدتاتشریف شریپ را به دارالخلافه اوغانستان بیآورید؛ جنابعالی ارزش این تکت طیاره رادون شأن خویش پنداشته دستورفرمودید که تکت اول لمبربراتان به ارزش ۱۲هزاردالرامریکاازپول گدایی بیت المال مردم افغانستان خریدندتاموکب ذات همایونی تشریف فرمای کابل شدید!(ص۸)

داکتر احسان انتظار — مودستو ـ کالیفورنیا

دربارهٔ فرهنگ (۸)

۳ـسمت گرایی : Regionalismبعدسوم ملیگرایی رادرافغانستان سمتگرایی تشکیل میدهد که چون قومگرایی ومذهبگرایی، همیشه درفرهنگ ما موجود بوده است.

ـمعادل کلمات فارسی دری (وطندار) و(هموطن)درزبان انگلیسی compatriot باشد وبه دوشخص که ازیک کشورباشند اطلاق میگردد، امادرزبان دری کلمهٔ (وطن) به معنای(محل تولد) بکارمیرود نه کشور. ازهمین لحاظ دونفرافغانی که مثلاً درامریکاباشند، یکدیگر را(وطندار یا هموطن) خطاب نمی کنندمگر آنکه هردومحل تولدمشترک داشته باشند، مثلاً هردو ازهرات باشند، درغیرآن ترجیح میدهند بگویند(ماازافغانستان هستیم)، امابرعکس دونفرامریکایی صرف نظرازآنکه درکجای امریکاتولدشده باشند، خودراهموطن یا وطندار معرفی میکنند.

ـهمانطوریکه افغانها باقوم، زبان، مذهب کسب هویت میکنند، محل تولدنیز به همین منظوربکار میرود: (عبدالعلی مزاری، طاهربدخشی، اختر پکتیاوال، ماهر هروی، عمروردک، اسماعیل بلخی، دستگیر پنجشیری وغیره .

ـمعمولاً افغانها بالای کسانیکه محل تولدمشترک دارند، اعتمادبیشتر دارندو آنهارا دراستخدام، گرفتن سکالرشپ، امتحانات ودیگر امور زندگی کمک معنوی واقتصادی میکنند. طالبان درزمان قدرت، پوستهای مهم رادرمناطق اشغالی مثل کابل به آنهایی میدادند که در قندهاربزرگ(قندهار، هیرمند و اروزگان) متولدشده بودند. جالب آن که بعضی ازین قندهاریها شیعه بودند. در دورهٔ زمامداری حامدکرزی ولسوالی پنجشیر ودایکندی به ولایت ارتقا کردند، زیرامعاون اول ریاست جمهوری تاجیک پنجشیری ومعاون دوم هزاره بود. اکنون ساکنین این دوولایت ازهمه مزایای یک ولایت برخوردارمیباشند. والی، شورای ولایتی، پوهنتون، قوماندان پلیس، بودجهٔ علیحده، رئیس معارف وغیره دارند.

دروزارتخانه هانیز وزیرودیگرمامورین عالیرتبه وطنداران خویش را به چوکی ها میگمارند صرفنظرازینکه لیاقت، اهلیت وکفایت داشته باشندیانداشته باشند ! درتشکیل احزاب نیزسمتگرایی نقش مهمی بازی میکند، مثلاًچون گلبدین در قندز تولدیافته، قندزی هادر رده های بالایی حزب اسلامی قرارداشتند. این در موردجمعیت اسلامی، جنبش ملی، وحدت، اتحاداسلامی وغیره احزاب نیز صدق میکند.

ـ درمنازعات ومخالفتها نیزسمتگرایی حکمفرمامی باشد. دردوران شاهی، ترانسپورت وحمل نقل بیشترمردم جاجی وپنجشیر صاحبان و رانندهٔ لاری ها بودند، وقتی بین دو راننده یکی ازجاجی ودیگر از پنجشیر برخوردصورت می گرفت، دریوران دیگربه کمک وطندار خود میشتافتند. درلیلیه های مثل پوهنتون ودارالمعلمین وقتی یک ننگرهاری بریک مزاری تعرض میکرد، مزاری ها و ننگرهاری هابه طرفداری وطندارخود اقدام میکردند، صرفنظر از آنکه گناه راکدام طرف انجام داده می بود.

ـسمت گرایی به پیمانهٔ قوم پرستی ومذهبگرایی خطرناک نیست، اما باآنهم درملیگرایی افغانستان تأثیرخود رادارد وباعث جاروجنجالها و بیعدالتی میگردد.

۴ـایدیالوژی : Idialogyایدیالوژی به معنای یک نظام عقیدتی سیاسی یا اقتصادی بعدچهارم ملیگرایی افغانستان میباشد، که نسبت به دیگر ابعادآن یک پدیدهٔ نواست. شالودهٔ حزب برای اولین بار در تاریخ افغانستان معاصردرزمان شاه امان الله صورت گرفت که ازطرف خاندان سلطنتی بنیادگذاری ورهبری میشد. امابزودی توسط نادرخان و برادرانش ازپیخ وبن کشیده شد، وطرفداران این نهضت یابه قتل رسانده شده یاروانهٔ زندان گردیدند.

اما احزاب به معنای نسبتاً واقعی آن دردههٔ ۱۹۶۰ عرض اندام کرد، که شامل چپی ها، راستی هاوملیگراها میشدند: خلق، پرچم، اخوان المسلمین، ملی غورزنگ، افغان ملت، ماوویستها وغیره. همین احزاب چپ وراست بودند که به سرنگونی نظامی شاهی وبعدحکومت داؤود خان گردیده وبداً کودتای کمونیستی ۱۹۷۸، حملهٔ شوروی۱۹۷۹، جنگ داخلی، حاکمیت طالبان وزمینهٔ ایجادحاکمیت کرزی شد.

علت عمدهٔ این بدبختی هاوجاروجنجال امروزی همین احزاب راست وچپ بودند که براساس قومگرایی، مذهبگرایی، سمت پرستی و ایدیالوژی های وارد شده ازخارج بنایافته بودند ومنافع علیای کشور رادرنظرنداشتند، وافغانستان صاحب یک دولت ملی نبود.

به سوی یک دولت ملی : قبل ازایجادحکومت موقت درسال ۲۰۰۱ بحث هایی درمورد نوع حکومت آیندهٔ کشورصورت گرفت. این مباحث دررسانه هاوکنفرانسها به دور دومحورمی چرخید: حکومت مرکزی مقتدر و فدرالیسم .

ـاکنون شرایط تشکیل یک حکومت مرکزی باقدرت موجودنیست وجنبهٔ عملی ندارد. درسابق حکومت مرکزی قدرتمندامکان پذیربود زیرا زمامداران مستبد وخودکامه بودند، اردوی ملی قوی داشتیم، تقریباً همه اقوام، اعم ازپشتون وغیرپشتون، خلع سلاح شده بودند، اکثریت مردم ازحقوق خویش آگاهی نداشتندوشعورسیاسی آنها بسیار پایین ویاهیچ وجودنداشت، ومهمتراز همه مداخلات کشورهای دیگربسیارکم یا هیچ بود. اماحملهٔ اتحادشوروی سابق وجنگهای داخلی جامعهٔ افغانی راتغییرفاحش داد. وضع جیوپولتیک افغانستان تغییرکرد وبه این ترتیب امکانات تأسیس یک حکومت مرکزی قدرتمند را ازمیان برد.

ـبقول نظیف شهرانی (درس اسفناکی که ما ازتاریخ آموخته ایم این است که حکومت مرکزی ازهرقوم وقبیلی که بوده، منجربه خود کامگی زمامداران وباعث تسلط یک گروه قومی، زبانی ومذهبی شده وشهروندان را ازعدالت اجتماعی محروم ساخته است.) ازهمین لحاظ، برخلاف سابق، تنش های قومی بحدی رسیده که پشتونهایا اقام دیگرنمی توانند بردیگران حکومت کنندو قدرت سیاسی بیشترداشته باشند.

ـ آن افغانها وخارجیانی که طرفداریک حکومت مرکزی مقتدرمی باشند، به این عقیده اند که چون پشتونها ازسابق(افغانستان معاصر) بر افغانستان حکمروایی کرده اند، درآینده نیزباید زعامت کشوررابه عهده داشته باشند وتشکیل یک حکومت مرکزی یگانه راه نیل به این هدف میباشد.

ازهمین لحاظ درکنفرانس بن، جرمنی درسال۲۰۰۱ جامعهٔ بین المللی، دررأس ایالات متحدهٔ امریکا، کرزی رارئیس حکومت موقت ساختند باوجودیکه عبد الستارسیرت رأی بیشترنسبت به حامدکرزی اخذکرده بود. اگرسیرت عوض اوزبک پشتون می بودحتمابه این کرسی نصب می شد، چه هم تحصیلات وهم تجربهٔ بیشترداشت. در وقت تدوین قانون اساسی نیزبعداً درکابل کوشیدند که یک حکومت مرکزی قدرتمند ایجادکنند. برای نیل به این هدف نظام ریاستی بر پارلمانی ترجیح داده شدوهم قدرت ریاست جمهوری رامشابه به قدرت ظاهرشاه افزایش دادند مثلاً انتصابات یکعده سناتوران وغیره .

ـ پشتونها وبعضی خارجیها چون ایالات متحده فدرالیسم رابشدت تقبیح می کنند، ازهمین لحاظ درلویه جرگهٔ سال۲۰۰۲ موضوع فدرالیسم از اجندا بر انداخته شدوهمه توجه برتأسیس یک حکومت مرکزی قوی به زعامت یک پشتون معطوف شده بود . درانتخابات اخیرریاست جمهوری (دنباله درص ۸)

پروفیسرداکتر عبدالواسع لطیفی الکسندریه ـورجینیا

صفحاتی ازیک زندگی پرنشیب و فراز

دروصلت وطن و در غربت هجرت (بخش۱۸)

من از بینوایی نیبم رنگ زرد غم بینوایان رخم زرد کرد

درلحظاتی که میخواستم هژدهمین بخش زندگینامه امرابنویسم، چشمم به گزارش دلخراش وفاجعناکی افتاد که ازداخل افغانستان ازشهر کابل حاکی از حملهٔ تروریستی خونبار وخانه برانداز گروه بداندیش و کوردل طالبان، دررسانه های تلویزیونی پخش گردید.. سخت دلگیر وافسرده شدم، ویقیناً شمامطالعین عزیزنیز ازدیدن وشنیدن چنین فاجعهٔ دردناک درپی صدهاحادثهٔ خونین دیگر، جگرخون وغمگین شده وبه فحوای بیت فوق پراندوه و رنگ زرد شده اید...

بهرحال، متعاقب این رویداد اندوه بار، طبق معمول به نزدیکترین کتابخانهٔ عامه (چارلس بیتل) رجوع نمودم تاپژواک واقعه رادرجراید معتبرامریک از قبیل واشنگتن پوست ونیویارک تایمزمطالعه کنم. در سرخط گزارش حادثهٔ تروریستی کابل، ذکرتعداد کشته شدگان و مجروحین درقطار مامورین وعابرین ومردم بیخبروبیگناه جلب توجه کردکه ده هانفرجان شیرین خودرا ازدست دادند وبه خانه یامحل کار خودنرسیدند، وبیش ازسه صدوپنجاه نفردیگرمجروح ومعیوب وپرآسیب شدند. همچنان دربخش دیگراین جراید راپورحرستبار فرار پی درپی تعدادزیادجوانان که اکثرشان تحصیل یافته ویامصروف تحصیلات عالی میباشند، نیزبه نشر رسیده بود...(درینجاباید خاطرنشان ساخت که کوچ و فراراین جوانان که درآینده قشرنجات دهندهٔ افغانستان ازمسیر قهقرایی افراط گرایی وتاریک بینی بشماررفته ومقابل گماشتگان وحشت وترور میتوانند سد محکمی تشکیل دهند، درواقعیت یک ضیاع بزرگ بوده وضربهٔ سخت ناگوار وبدفرجام برجامعهٔ امروزوفردای کشوروخاصتادراموربازسازی آن واردمیکند.)

واشنگتن پوست درهمین راستانوشت: درسال گذشته درقطاریش ازیک ملیون مهاجرپناهگزین که ازکشورهای سوریه، عراق وافغانستان جهت فراراز جنگ وبیکاری ومضیقه های اقتصادی براه افتاده اند، حدود دوصدوپنجاه هزار افغان نیزشامل میباشد، واین درحالیست که اکثرممالک سرحدا خودرابروی اکثریت پناهگزینان می بندندواینها بسی مشکلات رادرین سفرحسرتبار متحمل میشوند. باید راههای دشوار راپس ازفروش خانه ولوازم زندگی خودبرای تسلیم دادن پول آن به قاچاقبران ووسایل نقلیهٔ اکثراً ناامن وپرخطروکشتیهاوقایقهای مواجه به حوادث غرق شدن میباشند،سوی سرنوشت نامعلوم روان میروند،بعضاً تعدادی از انان دوباره به جای اولی شان بازگردانده وجبراًگسید میگردند...

روزنامهٔ معروف نیویارک تایمز شبیه این رویدادهای تکان دهنده و غم انگیز راباعکسهای مربوطه گزارش داده است... بهرحال یکی از راههای نسبتاً موثر برای جلوگیری ازهمچو فرارهاومتواری شدن ها همانا میسرکردن زمینهٔ کار با معاش وتحکیم امنیت ازطرف مسئولین حکومتهای مربوطهٔ شان میباشد. راستی چه بسا افغانانی که وقتاًفوقتاً دراثربی امنیتی وحملات خونبارطالبان وسایر تروریستان، جان خودو خانوادهٔ خودرا ازدست میدهند، ولی باتأسف صدای این قربانیان کمتربه گوش مسئولین ودست اندرکاران میرسد.

درهمین راستا یک دخترجوانی که درناحیهٔ سوات شمال پاکستان زندگی میکرد، صدای خود راشجاعانه بلندکرد وبرضدخشونت و سختگیری طالبان پاکستان درراه تحصیل زنان ودختران قیام نمود، این دختربنام ملاله باوجودیکه طالبان زندگی اورابا فیرگلولهٔ مرگبار تاسرحدمرگ رسانیدند، ازپا ننشست وبعد ازبهبودی ومعالجات جراحی، به مبارزهٔ خودادامه داد وذهنیت جهان رادربرابر ظلم ظالمان طالب وسایرتروریستان روشن نمود... اخیراً ملاله باتذکرمفصل این رویداد(اوتوبیوگرافی) خودرا دریک کتاب محجم زیرعنوان (من ملاله هستم) در۴۵۴ صفحه به نشررسانید، که کاندیدجایزهٔ صلح نوبل شده است. من کتاب اورا ازهمین کتابخانهٔ عامهٔ چارلس بیتل شهرالکسندریه بدست آوردم و اینک فشردهٔ مضمونی راکه در پشتی دوم کتاب درج است، به شماترجمه میکنم :

(وقتی طالبان وادی سوات رادرسرحدات شمال پاکستان تحت کنترول خود درآوردند، یک دخترجوان بنام ملاله برضداعمال شان بپا خاست ونظریات آزادخود رابرزبان آورد. اوخاموش شدن اجباری زنان ودختران راقاطعانه رد کرد ودرراستای دفاع ازحق تحصیل خود به مبارزهٔ سرسختانه اقدام نمود... اما درنیمهٔ روزنزدهم اکتوبر۲۰۱۲ که تازه پانزده ساله میشد، قیمت گزافی رادرین مبارزهٔ شجاعانهٔ خود متحمل گردید، بطوریکه یک مردطالب که درجستجوی اوبود، در سرویس نقلیهٔ مکتبش به وی حمله نمودو گلولهٔ مرگباری رابطرف سر اوشلیک کرد که کشنده بود آتشبار... اما ملاله بطورمعجزه آسا احیای مجددشد وزنده ماند. ملاله درین راستای دشوار ازیک محل دوردست شمال پاکستان تا تالارسازمان ملل متحددرنیویارک به قیامش ادامه داد ودرسن۱۶ سالگی بحیث سمبول جهانی مظاهرهٔ صلح آمیز قدعلم کرد وکاندید جایزهٔ صلح نوبل شد.

کتاب (من ملاله هستم) درحقیقت داستان واقعی ودرخشانیست که در برابر تروریسم جهانی وخاصتاً مبارزه برای تحصیل دختران، نوشته شده است. پدر منور (ملاله) که خودمتصدی یک مکتب بود، دخترخود رابه نوشتن وخواندن ورفتن به مکتب تشویق نمود...مطالعهٔ (من ملاله هستم) شما رابه قدرت بیان یک فردمعتقد میسازدکه خواسته است تغییری را درروند جهان واردکند...!

خودملاله درآخرین صفحهٔ کتابش چنین نوشته: (هدف من ازنوشتن این کتاب همین بودکه صدای خودراازطرف ملیونهادختر سراسر جهان بلندکنم، دخترانیکه حق شان دررفتن به مکتب وآموزش سلب میشود، ونمی گذارندکه قدرت وتوان اجتماعی شان تبارزکند. من امیدوارم که حکایت من به دختران تلقین کندتاصدای خودرابرای احقاق حق خود بلندکنند وقدرتی درین خود شوندکه درزندگی و جوامع خود تغییرمثبتی واردسازند. صندوق وجهی ملاله درهمین راستا فعال میشودکه نه تنهاسوادآموزی را به دختران میسرمیسازد بلکه وسایلی رابدست دختران میگذاردکه مفکوره وایدیایی رادریک شبکهٔ گسترده بمیان آوردکه به دختران کمک کندتاصدای خود و (قدرت) آنرادریابند و فردای بهتری راایجاد کنند.)

حال برمیگردم به تفصیل بیت سرخط این بخش: غزل کامل این پارچهٔ حضرت سعدی (رح) رازمانیکه متعلم صنف ۱۲ لیسهٔ استقلال بودم، دروقت درس زبان وادبیات فارسی از زبان استادگرامی ام شهید حسین نهضت شنیدم، که باصدای رسا و آهنگ دلپذیرش قرائت کرد ومن بادل وجان شنیدم ویاد داشت کردم وبه حافظه سپردم، که حکایت درمعنی (رحمت بر بی نوایان در حالت توانایی) با بعضی تعدیل هنوز بیادم هست:

چنان قحط سالی شد اندر دمشق — که یاران فراموش کردند عشق
چنان آسمان بر زمین شد بخیل — که لب تر نکردند زرع و نخیل
بخشکید سر چشمه های قدیم — نماند آب، جز آب چشم یتیم
نبودی به جز آه بیوه زنی — اگر بر شدی دودی از روزنی
چودرویش پیبرگ دیدم درخت — قوی بازوان سست ودرمانده سخت
نه در کوه سبزی نه در باغ شخ — ملخ بوستان خورده مردم ملخ
در آن حال پیش آمدم دوستی — از او مانده بر استخوان پوستی
اگرچه به مکنت قوی حال بود — خداوند جاه و زر و مال بود
بدو گفتم: ای یارپاکیزه خوی — چه درماندگی پیشت آمد؟ بگوی
بغریدبرمن که عقلت کجاست؟ — چودانی وپرسی سؤالت خطاست (ص ۷)

داکترغلام محمد دستگیر برومفیلد ـ کولورادو

ازتهاجم برچراگاه های هزاره جات حمایت نکنید

گارت جیمز هاردین(۱۹۱۵ – ۲۰۰۳ :Garett J. Hardin)یک ایکولوگ و فیلسوف امریکائی است که دربارهٔ خطرات زیادت نفوس هوشدارداده است. شهرت بیشتراو ازبرکت نشرمقالهٔ معروف اوست که (تراژیدی منابع مشترک یا عوام) عنوان داشت وبلاتأمل درسال ۱۹۶۸ ازطرف مجلهٔ ساینس پذیرفته شد و درپنج صفحه به طبع رسید(۱). این عنوان ابتدادر۱۸۳۳ دَریک رسالهٔ کوچکی که چندان شهرت پیدانکرده بود ازطرف ویلیم فارستر للوید William Forster Lloydاشاره شد(۲,۳). گارت هاردین, این تراژیدی (۲,۳,۴) را دریک سناریوی چراگاه قرون وسطی چنین مطرح کرده است:

[تصورکنیم که این چراگاه بروی همه بازاست وهرروستایی یا مالداری سعی میکند تاحد امکان گلهٔ بزرگی ازحیوانات (گاو و گوسفند وغیره) خود را درین چراگاه مشترک نگه دارد. برای قرنها این روش در اثر جنگهای قبیلوی, شکار های غیرَ قانونی و امراض حیوانی بدون کدام تشویش دوام می یابدو جای کافی برای چرش بیشترحیوانات میسرمیباشد. بالآخره روزهای آرامی وثبات اجتماعی که خواستهٔ همه بود به حقیقت میگراید ونصیب میگردد. درینوقت است که اصلیت منطقی اشتراکی, باتأسف بایدگفت که برملاشده و راه برای یک تراژیدی بازمیگردد. به اساس منطق مالداری, هر روستائی میخواهد ازین چراگاه با استفادهٔ اعظمی بهره ورشود. بصورت واضح یا بلااعتراف, کم یا زیاد آگاهانه, او میپرسد:(برای من اضافه نمودن یک حیوان دیگر در چراگاه چه فایده دارد؟) این سوال یک جنبهٔ مثبت و یک جنبهٔ منفی دارد:

جنبهٔ مثبت آنست که مالدار درچراگاه با ازدیادیک حیوان بیشترحصه میگیرد و ازفروش یک حیوان اضافه شده در گله اش پول زیادتر بدست میآورد و حاصل آن برایش +۱ میباشد.جنبهٔ منفی آن طوریست که در چراگاه یک گاو دیگریا یک حیوان دیگر اضافه شده است که این چرّش و استعمال از حد زیاد سبزه زار برهمه مالداران یکسان گران تمام میشود. درحالیکه تاثیرمنفی, فیصلهٔ هریک مالدار مشخص تنها یک کسر -۱ برای او میباشد.

با علاوه کردن مفاد قسمی هردو جنبه, منطق روستائی وی به این نتیجه میرسد که مناسب است درگلهٔ خودیک گاودیگر...وبازیک گوسفند دیگر ...وبازیک حیوان دیگرو قس علیهذااضافه کرده برود. درعینحال همینطورفیصله ازجانب هریک ازاستفاده کنندگان این چراگاه مشترک نیزبعمل میآیدو همین وقت است که (تراژیدی) خلق میشود. هرمالدار درتلک یک سیستمی گیر مانده که او را مجبورمیسازدتاگله اش رابدون کدام قیدومحدودیت, دریک چراگاهیکه زمین محدوددارد افزایش دهد. درنتیجه نابودی سرنوشتی ست که آین مالداران به شدت سوی آن شتاب دارند, زیرا هر کدام جهت منافع شخصی خود در یک جامعهٔ که به آزادی روش مشترکین زمین چراگاه اعتقاد دارد, تلاش می کنند. ازادی استفادهٔ خود سرانه در یک جامعهٔ اشتراکی سبب بربادی همهٔ آن جامعه میشود. مفاد انفرادی یکفرد برای خودش, با وجودیکه میداند اجتماع از فیصله اش متضرر میگردد روی, حقیقت عقلی انکار, پایداراست(۲)

واینک یک شمهٔ از(تراژیدی) چراگاههای مردم زحمتکش, غریب, وبینوای هزاره های(۲۴,۲۳)افغانستان دراثرتهاجم کوچیهای(۲۵, ۲۸, ۲۷,۲۶)(طالبی) که به استنادسراج التواریخ ثبت شده است, با بیتی از(لالهٔ آزاد) شادروان استاد محمدابراهیم صفا, حضور مبارک تان تقدیم مینمایم :

این شکایت که من از گردش ایام کنم — شکوه از بی هنریها به دگر نام کنم

(...ازجانب دیگرایشک آقاسی دوست محمدخان که مامور دادن ملک هزاره به افغان (پشتون) شده بود, درین آوان مردم اچکزی و بارکزی را که درعلاقهٔ چوره جای داده و هزارگان را بیرون کرد, از شدت سرما و کثرت برف برای جمعی دیگرمردم آن دوقبیله هفده باب قلعه رادرگیزاب ازهزارگان پرداخته (گرفته) افغانان راجای داد ودختران واطفال مردم هزاره را دربرف وسرما انداخته, اکثرهلاک شدند. (۵)

بالآخره(۶), (امیرعبد الرحمن خان تازه متوجه میشود که چه اشتباه بزرگی را مرتکب شده و چه انسانهای شرارت طلب و دهشت افگن را برسرمردم افغانستان مسلط نموده است؛ کوچیان را که خود مهاجر خوانده بود, زمینهای مردم هزاره را به آنها داده بود در نامه های بعدی خود (مفجر ومفسد) خطاب نموده است: درروز دوشنبه ماه جمادی الاول ۱۳۱۶ هجری نوشت؛ (همواره ازحالت مهاجر ومفاجر ومصلح و مفسد مهاجرین معلومات و نظریات صحیحه حاصل کرده...(۷,۶). و در اثر شکایت هزاره ها سلطان محمد خان حاکم ارزگان با کوچیها وارد صحبت میشود؛ کوچیها با افتخار وجسارت تمام میگویند:(حاکم و قاضی را به ما دخلی نیست! ما ازقوم پادشاهیم و خود در پیش پادشاه جواب میگوئیم ما از خود حامی و محرک و مربی داریم(۸,۶)

کوچی درگذشته نیزحضورداشته وازپنجاه تا صدخانوار بیشتر نبوده اند. ولی صدهاخانواری که به دعوت امیر عبد الرحمن از هند و سند و بنگال به هزارستان سرازیرشده زمینهای هزاره های نواحی قندهار, هیرمند, دهراوود, چوره, ارزگان, دایه, فولاد, حجرستان, ترکستان, و مناطق مرکزی هزارستان مانند لعل, سرجنگل, ورس, دایکندی, مالستان بهسود وهم شیخ علی.... را حاکمان مناطق بصورت غاصبانه و ظالمانه! بنام آنها ثبت نموده است(۶)

وهم هیأتی را که امیر حبیب الله خان جهت بررسی اوضاع کوچیها وهزاره ها تعیین کرده بود آنها جزخائنین ملی وغاصب زمینها مردم هزاره کسانی صادق و ایماندارنبودند: برخی از اقوام و قبایل کوچی, اگر خود مثلاً بیست خانوار بودند بمقدار صدخانوار(فامیل) منطقه را بکمک دولت از دست هزاره گرفته و خود تصاحب کرده اندویایک کوچی درچندین جازمین غصب کرده است(۶). قاضی عبد الشکور, که ازطرف امیرعبدالرحمن خان برای تقسیم وتوزیع زمین های مردم هزاره سرگروه مهاجر انتخاب شده بود, بهترین مناطق را از هزاره ها گرفته بنام خود, بنام خانواده و قومش ثبت کرد و هزارگان را جلای وطن و بی خانمان ساخت(۹).

متأسفانه, این بیعدالتیهادر زمان امیرحبیب الله خان هم دوام یافت بحدیکه ملا کاتب (مرحوم ومغفور) مجبورشدمکتوب ذیل راحضور امیر,فوق العاده سنجیده با دلایل اسلامی,تهیه نموده تقدیم کند؛ برای معلومات مزیدتان تقدیم میدارم ولی قبل ازآن خاطرنشان باید ساخت که, کاتب بارها برای دعاوی هزاره ها با کوچیها ماموریت داشت و بخوبی ازعهدهٔ مسئولیتش برآمده بود؛ حتی در یک مرحله وکیل مدافع هزاره های بهسود در(محکمهٔ اجلاس امور متفرقه) بطرف مقابل پاسخهای دندان شکن داده است. وهم یکبار حین ماموریتش در مالستان مورد تعقیب کوچی هائیکه قصد قتل اورا داشتند قرار گرفته شبانه منطقه را ترک کرده است(۶, ۱۰).

مقارن این حال(۱۱), محرر اوراق از امر والا که درسال گذشته در وقت مامور شدن سردارگل محمد خان به سرپرستی گروه مهاجر و ناقل افغان صادر شده بودکه:(چند تن از مردم هزاره نیز با او رهسپار شوند, تا اراضی و عقار (متاع واسباب خانه – عمید) هزاره گان را که بدون فرمان, مردم افغان متغلب متصرف شده اند واگذار گردیده, ازعدم حضورمامورین هزاره رسم اغماض و لحاظ درمیان نیاید, وهم مساحت مزارع و مراتعی که افغان افزون از دستور العمل مقررمتصرف شده اند, به حضورمامورین هزاره پیمایش شود, که هم مردم افغان, زمین زیاد نگیرند و هم هزاره فرارنشود). و این امر را سردارنصرالله خان نائب السلطنه به محل اجرا نیاورده, از مردم هزاره کسی رامامورنفرموده, چون کاتب ازعموم مردم هزاره وکالت خط بدست داشت, به ذریعهٔ عریضهٔ یادآوری کرده رقم نمودکه سراج التواریخ تالیف علامه فیض محمد کاتب صفحهٔ ۲۰۶ شروع نامه برای امیر حبیب الله خان :

(فدای حضورملاطفت ظهورعدالت نشور والا شوم. چون به مدلول [ان الدین عندالله الاسلام(۱۲)] رشتهٔ اتحاد و اتفاق اسلامیت عموم رهروان طریق انیق (شگفت انگیز– عمید) آئین محمدی به مُودّای [کل من قال لااله الاالله محمد رسول الله – مسلم بالاتفاق (متفق علیه)(۱۳) مرتبط ومنعقد است, ورتبهٔ اساس اجتماعیهٔ ایشان بفحوای لا تقولو لمن القی الیکم السلام لست مؤمناً (مواحد, که درمتن ذکرشده در قرآن مجید وجود ندارد)(۱۴), مامردم هزاره گروه مهاجر افغان رابه سیاق سراپا وفاق انما المومنون اخوهٔ(۱۵) برادران دینی و خلان (جمع خلیل – عمید) روحانی خویش دانسته, به مضمون صدق مشحون (مملو – عمید) یا ایهاالذین آمنوا ادخلو فی السلم کافّه(۱۶)رعایت و حمایت ایشانراکه ازاطاعت کفر سر برتابیده جانب مملکت اسلامی شتابیده اند, قطع نظر از حکم پادشاه لازم ومتحتم می شماریم و قرار کریمه والذین آمنو و هاجرو و جاهدو فی سبیل الله والذین آوو ونصروا, اولئک هم المومنون حقاً لهم مغفرهٔ ورزق کریم(۱۷) جا و ماوی دادن و یاری کردن ایشان را موجب ثبات ایمان ومورث وفاق و باعث جمعیت و اتفاق میینداریم, و کارکنان و مامورین متعصبهٔ دولت برخلاف این عقیده وپندارما بیچاره گان, سالک مسلک وساوس شیطانی و هواجنس نفسانی شده و گوش هوش به نهی ولا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتأکلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون(۱۸) که خداوند منع فرموده ننهاده, مزارع و مساقات چهارلک خانوار را بر طبق مرام خود و وفق فبدل الذین ظلموا قولاً غیر الذی قیل لهم(۱۹) به پنج هزارو هفتاد و شش نفر ذکور و اناث و پسران و دختران مهاجر و ناقل داده اند, چنانچه یکنفر از ایشان در چند موضع,مرزع (مزرع) و مرتع (چراگاه) به خلاف دستور العمل پادشاهی متصرف آمده, صدمه و لطمهٔ بزرگ بر قوهٔ اجتماعیهٔ اسلامیهٔ داخل مملکت وتمدن بشریت رعیت دولت و وسعت ارزاق وکثرت تعداد نفوس زده اند, که از این کردار نا هنجار ایشان, خسارت و زیان زیاد درعواید و فواید دولت نیز وارد آمده است, و اکنون انتشار اشتهارات مراجعت آیات عدالت سمات هزاران خانوار نفوس از فراریان مردم هزاره از خارج و داخل مملکت, که اراضی و عقارایشان را افغان مهاجر و ناقل تصاحب کرده است گرد آمده, از عدم مسکن و مزرع و مرتع, حیران و سرگردان و مترصد و منتظر اجرای امر و احسان حضرت والا که فرموده اند میباشد, که شخص امین با دینی را که خادم صادق دولت و خیر خواه ملت باشد ممیّزاین امر قرار داده, با یک نفر مساح از خود مردم هزاره, که در پیمایش اراضی مثلث را از مربع مسدس را از ذو الشرف (نام موضعی در یمن, دهخدا), فرق بتواند و تفریق در اشکال هندسی نهد وعده ای ازمیرزادگان که بحضوردر دستهٔ میراسپور ملازمت دارند و دو نفر مساح از افغان مأمور شوند, تا به اتفاق ممیز و مفتش, اراضی و مزارع متصرفه و مرتع به نفوس ذکور و اناث ایشان بدهند, که حل این مسئله بوجه صواب به روی روز آمده,دغدغه در خاطر والا و غربای هزاره نماند. و گروه مهاجر و ناقل افغان, باید از قوه بفعل آمدن این کارخجسته آغاز فرخنده فرجام, رنجه خاطرودلگیرنبوده, جاده پیمای طریق ممنوع و لاتکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعد ماجأتهم البینات و اولئک لهم عذاب عظیم(۲۰) نشوند و افتراق و اختلاف را در دل و دماغ راه ندهند و باید به بودن مردم هزاره در این مملکت راضی باشند, زیرا نظر به اتحاد اسلامیت و اطاعت دولت و قوهٔ اجتماعیت حامی و معاضد (هم بازو – عمید) همدیگرند. و اگر اراضی متصرفهٔ ایشان ازتعداد نفوس ایشان کمی کند, مردم هزاره حاضرانداز املاکی که در دست تملک دارند به ایشان بدهند وهمچنین آنان نیزبایست به خسارت دولت و تشتت وقلت ملت و تفرقهٔ اجتماعیت اراضی نشوند, وافزون ازدستورالعمل پاد شاهی که هرواحدی ازذکورسه جریب واناث دوجریب است و گذران نموده, بهمان قدر معین و مقرر قناعت ورزند. و چون حضرت والا پار سال فرموده بودند که چند تن از مردم هزاره نیز با سردار گل محمد خان بروند, و ایشان توان مخارج سفر را نداشتند, و هم فراریان ایشان حاضر نیامده بودند فرمودهٔ والا به تعویق افتاد. اکنون یاد آوری شد که امر جهان مطاع بعمل اجرا آید).

وحضرت والا درذیل این عریضه محرراوراق, درشب یکشنبه هشتم ماه شوال سال ۱۳۲۴هجری رقم وامضا فرموده که: سررشتهٔ این فقره ازحضوربه نائب السلطنه گفته شده, به اوعرض نمائیدکه جواب شمارابگوید. و او (نائب السلطنه) که مردم هزاره راکافر, و از اهل هنود ومجوس بدتر میدانست, اقدام در اجرای امر والا نکرده, مردم هزاره که گردآمده بودند, منتشر و به ممالک خارجه رهسپار شدند. (۲۱) .

در اصل, هدف هاردین هوشدارتراژیدی است که ازاثرآزاد نگه داشتن تولید نسل, روزی جهان ما به فحطی و گرسنگی مواجهه خواهد شد. وقتیکه این اثر را مطالعه کردم بفکر افتادم که اگرموضوع تهاجم چراگاه ها وعلفزارهای هزاره جات توسط تفنگداران کوچی حمایت نشود آخرالامرعین تراژیدی زمین مشترک هاردین بر قوم با شهامت هزاره عملی شده بوقوع خواهد پیوست. از نوشته های ملا کاتب هزاره که درجلدها و اوراق متعدد سراج التواریخ ثبت نموده است بیعدالتی و تظلم سردارعبد القدوس اعتمادالدوله ودیگران چون کرنیل فرهادوغیره که دراثراوامر حضرت والا(امیرعبدالرحمن خان) بوقوع پیوسته است درک می گردد که استفاده از زمینهای هزاره جات برای کوچیها آزاد گذاشته شده و خود مردم دهات و قلاع آندیار را از محل سکونت شان به جاهای دورتبعید نموده اند تا مهاجمین کوچی حسب دلخواه از آن چراگاهها برای درآمدهای شخصی خود استفاده نمایند. باوجود قتل وقتال گماشتگان وخودحضرت والاموفق به جینوساید هزاره نگردید اما این عمل ناجایز وغیر قانونی کوچیان که: بزورقومی وپشتون سالاری غضب نموده اند, نه تنها که مردم با شهامت هزاره را منکوب ساخته نمیتوانند بلکه یک نحو بی امنیتی راکه فقط بمفاد دشمنان افغانستان است چیز دیگر بار آورده نمیتواند. امسال باید هم کوچیان مهاجم وغیر قانونی که اکثراً طالبان اند ازنمایش و استعمال تفنگهای خود ابا ورزیده, ازجنگ وخونریزی دوری جویند. هم مردم هزاره جات باید ازصبروحوصله کارگرفته بکوشند تا از راه دلیل ومنطق؛ گرچه مشکل است که با مردمان بی منطق و دشمنان صلح و دلیل سخن گفت, اما بازهم با شهامتی که دارندتاحدخط قرمز وسرآمدحوصله خودگذر باشند وهم قسکمیکه داکتر محمد اشرف غنی درجریان کمپاین انتخاباتی وعده داده بود: من اجازه نمیدهم که کوچی ها وارد هزاره جات گردند(۲۲). به وعدهٔ خود وفا نموده هم خدا (ج) وهم بندگان خدا رامسرور نگه داشته از خونریزی بیشتر جلوگیری نماید و نگذارند که کوچیان متهاجم , باافتخار و جسارت, بگویند: (حاکم وقاضی را بما دخلی نیست! ما از قوم پادشاهیم وخود درپیش پادشاه جواب میگوئیم ما ازخود حامی و محرک ومربی داریم). با این چند بیتی از مبارزمشروطه خواه, شاد روان, استاد محمد ابراهیم صفا نوشتهٔ خود را پایان میبخشم:

ما زدست ساکنان شهر دندان کنده ایم

انجنیر عبدالصبور فروزان — نیوجرسی

تلویزیون ژوندون

مظهر تعصب زبانی و قوم گرایی درافغانستان

یادداشت اداره : مقالهٔ پژوهشی همکارارجمند ویادانش امید، جناب آقای انجنیر عبدالصبور فروزان، برای افشای برنامه های تفرقه افگنانهٔ که صاحبان تلویزیون متعصب ژوندون، در راستای سیاستهای دشمنانهٔ آی اس آی و حکمرانان نظامی وملکی پاکستان پخش کرده ومی کنند، تاشمارهٔ ۱۰۰۳ امید پیهم انتشاریافت. با نزدیک شدن چهارد همین سالگردشهادت قهرمان ملی، آمرصاحب احمدشاه مسعود شهید، ازشمارهٔ ۱۰۰۴ سلسله مقالات جناب فروزان زیرعنوان (سخنی چند ازاندیشه های احمدشاه مسعود رح) شروع شد که آخرین بخش آن در شمارهٔ پیشین (۱۰۱۷ امید) به چاپ رسید.

اینک دنبالهٔ سلسلهٔ (تلویزیون ژوندون) را دوباره پی میگیریم، وامید داریم مورد استفاده وتوجهٔ خوانندگان گرامی قرارگیرد :

درمجموع عوامل عمدهٔ سقوط دولت امانیه رابیشتر مسایلی تشکیل میداد که دریک جمله همه بخشهایی ازیک برنامهٔ واحدی بودند که توسط انگلیسها برای این منظور قبل ازجلوس امان الله خان به تخت سلطنت طرح ریزی شده بود. یکی ازین مسایل عبارت ازعدم شناخت جامعه و نادیده گرفتن دشمنی انگلیسها توسط خود امان الله خان بود. اوبدقت درک نکرده بود که انگلیسها ازمدتها درصدد سقوط سلطنت خانوادهٔ اوست، وبرای برآوردن این هدف دودستهٔ را ازمدتهاقبل تحت تربیت وپرورش گرفته بودند. یکی برادران دیره دونی، و دیگری دستهٔ ازروحانیونی راکه شامل حضرتهای مجددی میشدند.

شاه امان الله به اندازهٔ ضعیف الفهم بود که حتی یکبارهم نه تنهابه این نیندیشید که چرا انگلیسها برادران دیره دونی (نادرغدار وبرادرانش) را درسلطنت وحتی درخانوادهٔ او جاداده اند، بلکه این برادران مزدور وپروردهٔ خودراکه چون ماری درآستین برایش بود، دست بازی در قدرت دولتی داد، تاجاییکه امور دفاعی کشور وحمایهٔ سلطنت خودرا به ایشان سپرده بود، که بدین ترتیب بطور غیرمستقیم درتحقق برنامهٔ انگلیسها برای ازبین بردن سلطنت خودهمکاری کرد!

امان الله خان ازدرک اینکه انگلیسها برای برآوردن اهداف شوم شان همواره ازاحساسات پاک مذهبی مردم مااستفاده کرده اند، عاجزبود ودرگفتار وعمل چنان اشتباهاتی کرد که انگلیسها بااستفاده از گماشتگان مذهبی شان بخصوص روحانیون انگلیس مشرب دمدمی مزاج چون حضرات مجددی آنوقت موفق شده بودند که درپیشانی او مهر کفر والحاد بزنند، واین همکاری دوم امان الله برای تحقق پلان انگلیسها برای ازبین بردن سلطنت خوداو بود.

(غنی احمدزی نازکی این مسأله را خیلی عمیق درک کرده وازهمین جاست که درروزاجرای حلف وفاداری؟! حضرت صبغت الله مجددی رادرصف اول نشانید، و پیش ازینکه پشت میزخطابه برود، دودسته به اوسلامی زد وازاواجازه گرفت، درحالیکه درآن مجلس خبرگان وریش سفیدانی که در اوصاف از صبغت الله خان مجددی به مراتب فزونتربودند، وجود داشتند جناب غنی احمد زی به ایشان اعتنایی ننمود، تسبیح درازی که حتی به تسبیح مسلمانی نه بلکه به قطارمهره های بودایی هایشترمانند است بدست گرفت، شایدهم این اولین باری بوده باشد که انگشتانش تسبیح رالمس کرده باشد ! پیراهن وتنبان به تن کرده و پتکی برشانه می اندازد، درحالیکه چهل سال درامریکا زندگی کرده واهل این کشورمیباشد، وطی این چهل سال به پوشیدن دریشی ونکتایی عادت داشت! ریش میماند وحتی درآوان انتخابات به حج رفت، درحالیکه به رسوم واحکام کعبه به اندازهٔ بیگانه بود که عوض اینکه روبسوی کعبهٔ شریفه کند، پشت کرد و زایر اعرابی او رابه خطایش متوجه ساخت !

غنی احمدزی خانم خودرا که اهل نصارا است به پردهٔ تلویزیون کشاند، چادربسرش میکندومجبورش میسازد که کلمهٔ شهادت بخواند. درحالیکه این خانم عیسوی مذهب درعمر چادرنپوشیده بود ودرسن شصت یاهفتادسالگی است وهیچ ضرورتی احساس نمیکند که ازدین و آیین خود برگردد. ساینس هم حکم مینماید که مغزدرچنین سن و سالی آنچه ازعقیده وباوری که دارد، ازدست نمیدهدواگرآنرابه جبر ازدست بدهد برایش آزاردهنده و کشنده است. به یقین که این خانم گرامی عیسوی مذهب هم ازدین وآیین خودبرنمی گردد، واگر به زبان کلمه خوانده، به تحقیق که درقلب آیین ومذهب خودرادارد ومحبت عیسی مسیح ومریم پاکیزه را ازسینهٔ خود دورنمیسازد.احمدزی حتی نام این خانم گرامی عیسوی راکه درهمهٔ عمرازآن هویت یافته، عوض کرده که جفای عظیمی درحق اوست. عجب این که غنی بعدازشصت وچندسال، درپیش اسم خود نام مبارک محمد رااضافه نموده، درحالیکه درغرب کسانیکه بااو رابطه داشته اند اورا اشرف غنی احمدزی میشناسند نه محمداشرف... از سوی دیگر، اگراشرف غنی احمدزی همت میداشت بایدبه دین و آیین همسرش که سی چهل سال رابااوسپری کرده وزندگی خویشرا دراختیارش گذاشته است، احترام میکردوعقیده اش رابه نظرقدرمی دیدو بخاطرچندروزدوران که آنهم معلوم نیست دوام کندیانکند، بر او این جفاها راروانمی داشت. قرار اطلاعات تازه از کابل، خانم غنی احمدزی برای ترویج عیسویت فعالیتهای دامنه داری رویدست گرفته وبرای جوانان وفامیلهایی که به عیسویت میگرایند، سپانسر درغرب پیدا می کند-این توضیح را مسافری تازه ازکابل آمده برایم گفته است .

دوست گرامی داشتم که همسرش یهود بود. اوبه مذهب وآیین همسرش احترام داشت وهرگز وادارش نساخت که آنچه اوعقیده داردبه آن بگراید، این شیوهٔ اسلام ودستورقرآن است وجبر واکراه درآیین محمد(ص) وجود ندارد.)

بهرحال برمیگردم به موضوع اصلی مقاله ، واماشواهد نشان میدهد که امان الله خان همهٔ آنچه که اشرف غنی احمدزی مینمایدبرعکس آنرا نموده است. مثلاً ازسرملکه ثریاچادر رادورساخت، خودلباس غربی پوشید، نه خودش ریش ماند ونه دیگران رااجازه داد ریش بگذارند. امان الله خان برای سرکوبی شورشیان قبیلهٔ شنواری شیوهٔ پدرکلانش عبدالرحمن خان راپیش گرفت، ملای لنگ و دیگررهبران مذهبی قبایل شنوار، منگل وسلیمانخیل رابدارآویخت، اغتشاشیون رادستگیر کردوبکابل آوردوامر کردپیش ازینکه به دارآویخته شوندخود قبر های خودرابکنندواجسادشانرادرهمان قبرها دفن کرد ! نادر وبرادرانش درتسریع چنین حرکات امان الله خان نقش داشتند، زیرا اموردفاعیه وعسکری دردست ایشان بودومیخواستند هرچه بیشترنفرت مردم را دربرابرامان الله خان تحریک کنند، اماشاه درک این موضوع نکرد که اگرجدش عبدالرحمن خان دشمنان خودرا اعدام مینمودوازسرهایشان کله منارهامیساخت، به فرمان انگلیس این کار هارامیکرد. اودوست اودرخدمت انگلیس بود واین کارهاسبب دوام سلطنتش میشد. مگرامان الهه خان دشمن انگلیس بودواینکارهارا بدون امرانگلیسها کرد که دستآویزخوبی برای انگلیسها شدتا برای ازبین بردن خوداو از آن استفاده نمایند.

عامل دیگر که درسقوط دولت امانیه کاری افتاد موجودیت مشاور نزدیک ورهنمای زبردست او محمودخان طرزی بود که پدر ملکه ثریا هم بود. طرزی که شخص عالم وپرازاندوخته های علمی بود، به عوض اینکه برای استحکام دولت امانیه بیندیشد وهمت بخرج دهد، تحت تأثیر ترکان فاشیست قرارگرفته و دهل برتری پشتونهاوپشتون سازی رادرگردن آویخته بود، واین دهل را به اندازهٔ نواخت که صدای ناهنجارآن گوشهایش راکر وچشمانش را نابینا ساخت واز شنیدن و دیدن توطئه های انگلیس و فعالیت برادران دیره دونی برای برانداختن سلطنت شاه امان الله خان عاجزشده بود، وخود درمرض تعصب و قومگرایی پشتونیسم چنان مبتلاشده بود که چیزهایی مینوشت ومیگفت که مردم نه تنهابه دانش وحتی به سلامت عقل او مشکوک شده بودند. مثلا اومی گفت که زبان پشتوی مادرهمه زبانهای جهان است ویااینکه برای اهل معارف کشور ومامورین دولت ازهمه چیزاولتر فراگیری زبان پشتو حتمی وضروری است واهمیت فرا گیری زبان پشتو رابیشتر ازفراگیری زبان فارسی یاانگلیسی یااردو یا عربی میدانست، وچون توانمندی دولتی داشت، این خواسته اش رابر مردم جبری ساخت. حتی مرض مزمن نشنالیسم پشتونیسم وپشتو سازی به اندازهٔ محمودخان طرزی رابیمارساخته بود که ادعامیکرد که پشتونها اجداد نژاد آریایی هستندوایشان رابالاتر ازآن بنام سردارقوم آریا صدامیکرد که این ادعای او دانشمندان رادرحیرت انداخته بود و شباهت به چیزدیگری جز هذیان گویی در بستر بیماری نبود !

بیچاره محمودخان طرزی یا بیخبربود ویامحیط دانشی اش به آنجایی نرسیده بود که دانشمندان تحقیق کرده ودریافته بودند که پشتون ها شاخهٔ ازبنی اسراییل اند که بعدازتبعید از مأوای اصلی به دره های سلسله کوههای سلیمان مفقودالاثرشده وبه یک شاخه گم شده ازده شاخهٔ بنی اسراییل مشهور اند، که با آریایی هاونژاد آریا ارتباطی ندارند. این دانشمندان ایشانراز نژادیهود میدانند. به نظراین دانشمندان اعمال وعملکرد بعضی ازپشتونها شباهت زیادبه اعمال و عملکردیهودیان دارد، مثلاًاعمال ددمنشانه وظالمانه وقتل وکشتار بیرحمانهٔ مردم بیگناه توسط طالبان مزدور وگروه آدمکش حقانی و گروه قسی القلب وجانی گلبدین درحق مردم بیدفاع وبینوای ما هیچ فرقی ازظلم وجور وستم اسراییلیان برعلیه مردم بیدفاع وبینوای فلسطین ندارند.

تحقیقات دامنه دار انتروپولوژی ومطالعات بیولوژیکی به مصداق این موضوع که پشتونها ازبنی اسراییل اند، مُهرتایید نهاده وحتی پشتون هایی که ازشرق خط دیورند الی هندوستان زندگی می نمایند، به صراحت به بنی اسراییلی بودن شان اعتراف میکنند وخودراازنژاد یهودمیدانند. حتی این پشتونها باوزارت خارجهٔ اسراییل که تحقیقات دامنه داری رابرای تایید این مطلب رویدست گرفته است، همکاری می نمایندو درسال ۲۰۱۰ اسراییل باهمکاری جرمنی به تعداد پنجاه هزارنمونهٔ خون را ازافراد قبایل مختلفهٔ قوم پشتون برای مطالعات YONEاخد نمودند، ولی جرمن هابنابرملحوظات سیاسی، نتایج این تحقیقات DNAرا اعلان نکردند، مگر برخی ازاین تحقیقات YONA که دردانشگاه لکنهوی هندوستان تحت رهبری پروفیسر علی افریدی که خودهم پشتون است، صورت گرفته است، ازیکهزار وپنجصد نمونهٔ خون ۶۷۰ آن نوع YONAرانشان میدهد که مطابقت کلی با YONAیهودیان مینماید. در سال ۲۰۱۳تعدادزیادکتیبه هاو آثار نوشتاری باستان ازمغارهٔ درجنوب افغانستان کشف گردید که به زبان عبرانی که زبان یهوداست، تحریرشده اند. این آثار نوشتاری باستان را طالبان بالای حکومت اسراییل فروختند که اکنون همهٔ آنها درکتابخانهٔ ملی اسراییل درتل ابیب پایتخت اسراییل محفوظ است و به نمایش گذاشته شده اند.

محمودخان طرزی که ادعای پان اسلامیسم راکه به مفهوم وحدت مسلمانان جهان میباشد، میکرد، نه تنهادرین راه قدمی گذاشته نتوانست بلکه کشور کوچک افغانستان راکه ازملیتهای گونه گون اما همه مسلمان تشکیل شده، ودرمیان ایشان یک وحدت نیم بندی وجود داشت، باتزریق زهر ناسیونالیسم پشتونیسم خود توته توته وپارچه پارچه ساخت، که یکی رابجان دیگری انداخت وزمینهٔ بهره برداری انگلیس راچنان مساعدساخت که خود ودامادش امان الله خان ازمرز کشور فرارنمودند، واین رامیگویند: (چاهکن خودش درچاه است)!

محمودخان طرزی به اندازهٔ درناسیونالیسم پشتونیسم غرق شد که در اواخر نتوانست آنچه درسینه داشت پنهان نگهدارد، وچیزهایی گفت ونوشت که شیوهٔ توهین رابرای ملیتهای تاجیک، اوزبیک، هزاره و غیره داشت، مثلا درشمارهٔ اخیرسراج الاخبارافغانیهٔ خودنوشت: (معلوم جهان است که جهانیان ملت مارا افغانستان ومارا افغان می گویند. بناًً علیه درشرح وتفسیرسرلوحهٔ عاجزانهٔ ما یک شبهه گکی که باقی میماند صحیح ودرست بودن (ادبیات ملی افغانی) وعاریتی بودن (ادبیات ملی فارسی) است.) این گفتهٔ محمودخان طرزی عین مفهومی رامیرساند که سال پار واحدطاقت درتلویزیون ژوندون ودر کنگرهٔ پشتونها اظهار داشت که (افغانستان وطن پشتونهاست، هرکس دیگرغیرازپشتون درین وطن بیگانه است وحرامی) !

درواقع محمودخان طرزی با واحدطاقت یکسان می اندیشید، هردو ملیتهای تاجیک، اوزبیک، هزاره ودیگراقوام کشور که غیرپشتون اندتوهین مینمایند، اما فرق درینجاست که طرزی چون اهل دانش و صاحب اندیشه های علمی بود، سخن راطوری میگوید که کس آزرده نشود، به اصطلاح سخن درلفافه میگوید، ولی واحدطاقت که ازدانش محروم است، طور لچ وبرهنه یابعبارت واضحتربه شکل لچکانه حرف دل خودرامیزند ! امادرماهیت هردوسخن، هم گفتهٔ طرزی وهم گفتهٔ طاقت هردویک چیزبوده ویک معنی میدهند. اینکه طرزی درسراج الاخبارخودمینویسد(این زبان ـ پشتوـ به تمام گروپهای قومی افغانستان آموزش داده شود)، ومحمد گل مومند که همتبارطرزی است، میگوید که (هیچکس حق ندارد که بجز اززبان پشتوبه زبان دیگری حرف بزند)، وعبد المجیدخان زابلی را بخاطر اینکه به پشتوحرف نزد، ازکابینه اخراج کردند، هردوی این گفتارطرزی ومومند عین مفهوم تحمیل زبان پشتو رابرملیتهای دیگر کشور میرساند که چیزی بجزظلم وبیعدالتی به حق ملیتها واقوام دیگر کشور تعبیرشده نمی تواند.

چون شاه امان الله به این مربی خود سخت اعتماد داشت، لذاآنچه که اومی گفت وآنچه اومی اندیشید، همان میکردوهمان می اندیشید. طرزی امان الله خان رانیزبسوی تعصب زبانی وقبیله گرایی کشانید و اورابه اندازهٔ درلجنزار پشتونیسم غرق کرد که امان الله خان به دلخواه خود اصولنامهٔ ناقلین راکه بازتابگر اندیشه های قومگرایانهٔ طرزی بود، تصویب وتوشیح وبطور ظالمانهٔ مورد اجراقرارداد، که بعداً محمد گل مومند هم اندیش طرزی آنرابه شیوهٔ فجیع تروجنایتکارانه ادامه داد. امان الله خان به تأسی ازین اصولنامهٔ غیرعادلانه، زمین هاو جایدادهای باشندگان بومی تاجیک واوزبیک مناطق شمال کشور (قطغن) رابه پشتونهای ناقل به جبر و زورداد، هزاران جریب زمین حاصلخیز این نواحی راباامتیازات دیگری ازقبیل ندادن مالیه تسلیم کرد، وباشندگان تاجیک واوزبیک این مناطق را ازهرنوع حقی محروم ساخت.

این اصولنامهٔ ناقلین امانیه که غرض آلود وظلمانه بود، تخم نفاق و دشمنی را بین مردم شمال وجنوب کشور کاشت وسبب ازهم پاشیدن وحدت ملی نیم بند مردم ماگردد، که تاکنون کشورومردم ما درآتش آن میسوزند وبیگانگان ازآن بهره برداری مینمایند. برعلاوه این کار امان الله خان سبب خشم مردم تاجیک واوزبیک کشورشد، امان الله خان همان اعتباری راکه میان این مردم داشت از دست داد که بیشتراوراچون یک ظالم وغاصب میدانستند. وحدت ملیتهای ساکن کشور راکه درآنزمان که انگلیسها درکمین نشسته بودند وبرای حفظ وطن مسألهٔ ضروری بود، ازبین برد، که تاکنون این آتش که امان الله خان به مشورهٔ محمودخان طرزی افروخته بود، پیکروطن ما رامیسوزاندووطنداران مارا پارچه پارچه کرده است .

(دنباله درپایین ستون سوم)

داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ — سندیاگو- کالیفورنیا

مزایای اقتصادی پروژه کاسا یک هزار برای افغانستان و کشورهای همجوار

پیوسته به گذشته در مسایل اقتصادی

بتاریخ ۱۲می سالجاری موافقتنامه شروع کارعملی پروژه کاسا یک هزار بعد ازدهسال رایزنیهابالاخره بین چهار کشورافغانستان،تاجکستان، قرغیزستان وپاکستان درشهردوشنبه مرکزسیاسی تاجکستان توسط هیئتهای بلندپایه شان به امضامیرسد. پروژه کاسا درسال ۲۰۰۵درکنفرانس همکاریهای اقتصادی منطقوی (رکا) که درافغانستان برگزار شد، به درخواست تاجکستان پیشنهاد گردید، که اکنون مراحل تطبیق آن تطبیق میگردد.

به اساس این موافقه نامه پروژه کاسا یکهزارو ۳۰۰میگاوات (یک میگاوات مساوی است به یک ملیون وات) برق دو کشورتاجکستان وقرغیزستان ازطریق افغانستان به پاکستان انتقال میابد. جمهوریهای قرغیزستان وتاجکستان دو کشور آسیای مرکزی اند که دارای انرژی وافربرق که ازجریان آبهای خروشان که توسط بندها مهارشده (هیدروالکتریک) تولیدمیشود که به دو کشور گرسنه به انرژی یعنی افغانستان وپاکستان صادرخواهدنمود. انتقال برق به ظرفیت بلند البته درفصل تابستان خواهد بود ودرفصل زمستان انتقال برق ازکشورهای متذکره یک اندازه نوسان خواهدداشت. درپاکستان بخصوص در موسم تابستان به انرژی برق اشد ضرورت احساس میشود که نسبت نبود برق کافی منازل وکار خانه هاچندین باردرروزبرق قطع میگردد.

طول لین برق الی پاکستان به ۵۶۲کیلومترمیرسد وهزینه این پروژه به مبلغ یک ملیاردو ۱۷۰ملیون دالرخواهدبود که توسط بانک جهانی وبانک سرمایه گذاری اروپایی وبانک انکشاف اسلامی تمویل خواهد شد،بانک جهانی کمک بلاعوض وقرضه بدون مفاد رابه مبلغ ۵۲۶/۵ملیون دالربرای تطبیق این پروژه متقبل شده که ازاین مبلغ سهم افغانستان ۳۱۶/۵ملیون دالر است .

مزیت اقتصادی پروژه کاسا یک هزار برای افغانستان : با بسررسیدن این پروژه که شاید زیاده از یکسال را دربربگیرد به مقدار ۱۳۰۰وات برق از خاک افغانستان عبورنموده به پاکستان انتقال داده میشود وبه مقدار ۳۰۰میگاوات آن درافغانستان درولایات میدان وردک، غزنی، زابل، لوگر وشهرگردیزاستفاده خواهدشد. به اساس سنجش شرکت برشنامبلغ ۶۰ملیون دالرسالانه حق ترانزیت برای افغانستان بدست خواهد آمد که برای بازسازی پروژه های خرد وکوچک دیگردر افغانستان استفاده خواهد شد به شرط آنکه این پول ها حیف ومیل نشده واز آن مدیریت درست صورت بگیرد .

گرچه شرکت برشنامصمم است که تمام پلانهای تخنیکی این پروژه تکمیل شده وجریان لین کشی حتی ازکابل تا ارغنده نیزشروع گردیده وسه سب استیشن برق درتاجکستان وقرغیزستان ودو سب استیشن دگردرافغانستان یکی در ولایت پروان ودیگری درولایت غزنی اعمارخواهد گردید، که ازین ولایت لین برق بطرف قندهار امتداد میابد.

خطرات احتمالی تخنیکی واقتصادی این پروژه درافغانستان : لین برق از تاجکستان ازطریق ولایت قندزوازآنجا بصوب پلخمری کشیده شده ازراه کوتل سالنگ که در حدود ۴۵۰۰مترارتفاع دارد لین برق باید عبوروبه ولایت پروان ادامه یابد. درزمستان کوتل سالنگ نسبت سردی شدید، یخبندان، برف کوچها وباد های سهمگین لین برق وپایه های آنرابه خطرجدی مواجه خواهد ساخت که ترمیم این وقایع ناگوار درامتداد سالنگ کارآسانی نخواهد بود و سکتگی درجریان برق صدمه زیاداز نگاه اقتصادی و تخنیکی به افغانستان و کشورهای منطقه واردخواهد نمود .ازجانب دیگرلین برق درین بخشهاازخطر احتمالی تروریستی مصون نخواهد بود وشرکت برق باید از تجربه تلخ بغلان بیاموزد که در اثرواژگون شدن دوپایه برق توسط تروریستهامدت دوماه شهر کابل به تاریکی فرورفته بود وشرکت برق نتوانست که به ترمیم این پایه ها بزودی اقدام نماید .

دراثر سنجش یک کمپنی آلمانی که مسیر لین برق را تحقیق ومطالعه نمود ونتیجه مطالعات خودرابه ریاست برشناتقدیم کرد، جوانب خطرات تخنیکی، اقتصادی وامنیتی راه سالنگ رادر مطالعات خویش تذکرداده هوشدارداد که لین برق ازطریق سالنگها بخطرجدی مواجه میباشد. کمپنی آلمانی راه بدیل را ازمسیرولایت بامیان که به مراتب محفوظ تراست پیشنهادنمود، گرچه ازمسیر بامیان فاصله آن کمی طولانی ترمیگردد ولی ازخطر قطع جریان برق از راه سالنگ که صدمه اقتصادی وتخنیکی پیشبینی ناشده رابارخواهدآورد جلوگیری خواهد شد ومزید برآن ولایات بامیان، دایکندی، بهسود وشبرکه این مناطق ازنگاه اقتصادی کم انکشاف بوده ونسبت به ولایات جنوب ومشرق که لین برق ازین بخشها عبورمیکند، پروژه های بازسازی در بامیان به ندرت دیده میشود که عبورلین برق کمک بزرگی به ولایت بامیان ومناطق همجوارآن میکرد وباعث یک انکشاف ویا بازسازی متوازن میگردید . هنوزهم ابتدای کار این پروژه است وامکان تجدید نظرموجوداست ودرغیرآن اگرپروژه تمدیدلین ازطریق سالنگ به خطرفوق مواجه شودمسئولیت آن بدوش شخصی خواهد بود که با این تصمیم، خلاف مطالعات کمپنی آلمانی عمل کرده است .

درولایت وردک (چک وردک)بندبرق وجوددارد که حتی به غزنی برق رسانده میتواند، قندهاروهیرمنددارای بندبزرگ کجکی است امامتاسفانه بمناطق مرکزی نظربه بعض ملحوظات که نزدحکومت است کمترتوجه میشود .

اتکا به برق وارداتی ازکشورهای همجوارمشکلات سیاسی و اقتصادی را درآینده بارخواهد آورد : ولایات کابل وپروان از برق وارداتی اوزبیکستان استفاده میکند وولایت هرات ازانرژی برق ترکمنستان و هم ایران فعلا مستفید میشوند.

زیربنای اقتصادی دراثرجنگهای سی ساله درهمه نقاط کشورتخریب گردید وکشورنسبت نبود برق درتاریکی فرورفته بود واجباراً برای تهیه انرژی برق به کشورهای همسایه روآورد که در اکثرشهرهای بزرگ کشوراز برق وارداتی استفاده میشود ومتکی بودن در تولید انرژی برق به کشورهای همسایه نواقص و مشکلات اقتصادی وسیاسی را در دراز مدت بارخواهد آورد .

احتمال مشکلات سیاسی : چون درکشورهای همجوارانکشافات سیاسی همیش درتغییراست، اگرشرایط سیاسی باکشورهای تولید کننده ووارد کننده انرژی برق با افغانستان برهم بخورد صادرات برق میتواندبحیث آله فشارسیاسی استفاده شود، طوریکه مامشکلات ترانزیتی باپاکستان داریم از راه ترانزیت بحیث آله فشارسیاسی سالهاست مقابل افغانستان استفاده میکند. (دنباله درصفحهٔ آخر)

****

این همه خونریزی هایی که طالبان مزدور طی بیست سال اخیر در نقاط مختلف و به خصوص شمال کشور مرتکب شده اند، به کمک همان ناقلین پشتون از جنوب و حتی ماورای سرحد شرقی وجنوبی مرتکب شده اندکه این جنایتکاران را درخانه وآبادی خود در سرزمین های اشغالی شان پناه ونان وغذا داده اند و در کشتن هموطنان خود با این مزدوران یاری رسانیده اند. یعنی نمک را خورده اند و برنمکدان .../ (دنباله دارد)

(متن اصولنامهٔ ناقلین متذکره چندماه پیش درهمین جریدهٔ امیدبه نشر رسیده است.)

احمدشاه مسعود وارث ندارد (دنباله ازصفحهٔ دوم)

وزارت دفاع شوروی اعتراف میکند که حمله برپنجشیر آنقدرشدید بود که بدون مبالغه شباهت به حملهٔ متحدین درجنگ جهانی دوم بر برلین وپناهگاه هتلرداشت. دراثر مقاومت مسعود روسهای غدار شکست خوردند وهلیکوپتر AN-12 که لالهٔ سیاه نام داشت، اجساد عساکر مردهٔ روسی وزخمی شدگان را درآنطرف دریای آمو نقل دادند. دراثرمقاومت مسعودفقید بود که روسها شکست خوردند، کمونیسم سقوط کرد، دیوار برلین فروریخت، وقرارگفتهٔ رابرت کپلان در کتاب بنام Soldier of God همچنان براساس نوشتهٔ وال ستریت جورنال، مسعود برندهٔ جنگ سرد شد.

عزیزمحترمم آقای احمدولی مسعود ! شما نوشته اید: (بعدازشهادت آمر صاحب به کابل برگشتم ودراولین اقدام به منظورپرکردن خلاس بزرگ نبود ایشان تلاش کردم.) باعرض احترام به شماتوصیه میکنم که این جمله رادوباره تکرارنکنید، شماوهمکاران شماقدرت وتوانایی آنرانخواهید داشت که خلای نبودن آن رادمردبزرگ راپذنماب! آنچه شاعرمیگوید : تکیه برجای بزرگان نتوان زد به گزاف ! حقیقت دارد. یکی ازاشتباهات یاگناه شما، برادرشما احمد ضیامسعود، مرحوم قسیم فهیم، آقای محمدیونس قانونی، داکترعبدالله ویکتعداد دیگرازهمسنگران مسعودفقید آن بوده است که درین مدت۱۶ سال گذشته، بدون رعایت به ایدیولوژی مسعودفقید، بارژیم رسوا ونوکرخارجی دست هم کاری داده اید. آیارژیم کرزی واحمدزی وحدت اقوام افغانستان راازهم نپاشیده اند ؟ آیا همین رژیم افغانستان رابه پاکستان وطالبان نبخشیده اند؟ آیاهمین رژیم کرزی و احمدزی دارایی بیت المال و کابل بانک راچوروچپاول نکرده اند؟ آیا همین رژیمهای غافل ازخدا وبدون وجدان، ازدین افراطی وناسیونالیسم قبیلوی برای اخذقدرت استفاده نکرده اند؟ آیاآقای داکترعبدالله قبل ازحساب آراء مردم توأمیت راباهمین رژیم رسوا به امربادارخارجی خودقبول نکرد؟ آیا داکتر عبدالله به مردمی که درانتخابات به اورأی داده اند ودرین راه بعضی ها انگشتان شان ازطرف طالبان قطع شده، چه جواب دارد؟ آیا بیاد دارید که یکسال پس از شهادت مسعودفقید درسالگره اش درکابل آقای یونس قانونی علناً اظهار داشت که اوباحامد کرزی هم پیمان بوده وآنچه میخواست بدست آورده است؟!

خیلی هاروشن است که درمدت شانزده سال گذشته توأمیت شما، برادرشما، مرحوم قسیم فهیم، یونس قانونی، داکترعبدالله و عدهٔ دیگرازهمسنگران مسعود فقید با رژیم غیرقانونی کرزی واحمدزی، که اقدامات ضدوحدت ملی و استقلال کشوردارند، لطمه وآسیب جبران ناپذیری برپیکراین کشور آزادو مردم آزادیخواه واردکرده است. با دزدهمکاربودن بذات خودیک جنایت است. در این حال جناب شماچطور میتوانید ادعاکنید که میخواستید خلای بزرگ نبودمسعود فقید را پرنمایید؟!

آقای احمدولی مسعود ! اظهارات اخیرشما که آجندای ملی وبه اصطلاح خود شما شناخته شده، یگانه راه بیرون رفت ازوضعیت بحرانی موجودمیباشد، وبی ثباتیهای سیاسی تنهاحاصل افراطگرایی و تروریسم نمی باشد، دلیلی برخبط معلومات تاریخی وعلمی شمابوده و ذخیرهٔ فقیرعلمی وشناسایی شمارا درمورد کشور ومردم خودشما ارائه می کند .

احمدشاه مسعود مردی خداپرست وپرهیزکار وآراسته بابلندترین برگ وبار اخلاقی وانسانیت، چون ستارهٔ ازدرهٔ پنجشیر طلوع کرد و درآسمان افغانستان درخشید. او درس وتعلیمات عالی وزندگی آرام وبی دغدغه رابخاطرآزادی کشور ونجات مردمش قربانی کرد. مسعود دربرابرظلم واستبداد داخلی وتجاوز خارجیان قیام کرد و مردانه جنگید. مسعود دربارهٔ طالبان، لشکرالقاعده، دستگاه نظامی آی اس آی وسیاست جهانی معلومات گسترده وعمیق داشت ودر سفر درفرانسه، امریکاوجهان غرب را ازهیولای القاعده اخطارداد. او عالمانه سخن میگفت وازدین افراطی وناسیونالیسم قبیلوی نکوهش میکرد. مسعود فقید از حقوق انسانی وبالخصوص ازحقوق زنان حمایت میکرد وسرنوشت کشوررا مربوط به علم وتربیهٔ فرزندان جوان میدانست. مسعود درپاکی وبیگناهی چون کبوترسپیدبال و در غرور وبزرگی وشهامت چون عقابی بلندپرواز برفرازکوه ها، دره هاوآسمان کشورش اوجد میگرفت، ومحبت وجوانمردی اش دردلهای دوستان ویارانش چون سلطانی مقتدر حکومت میکرد. مسعودازآینده سخن میزد وازاهمیت پارینه چشم نمی بست .

مسعود توانا وفقید درآفتابهای سوزان وزمستانهای سرد بخاطر نجات مردم افغانستان راههای صعب العبوری رامی پیمود وازطلوع سپیده دم تاسیاهی شب برای رهایی کشورش ازیوغ اسارت واستبداد جانبازی میکرد. دردوران جهادش به پارسایی، بخشش وفداکاری معروف بود و اسیران جنگی را درایام نبرد با دشمن هیچگاه شکنجه نمی کرد.

مرگ این قهرمان بزرگ نمی تواند تلاطم امواج اقیانوس آزادی و بزرگواری ای را که اوبه میان آورده است، از دلها برباید. مسعود در دل پیروان، دوستان ومردم آزادیخواهش تخمی ازوطنپرستی، انسانیت، بشریت، فداکاری واخلاق بذرکرده است، که تاجهان باقی است علَم آزادی اورا برشانه خواهند کشید. هر ریگ وسنگ صخره درهردره ووادی کشور نوای دل انگیزوآزای بخش اورا ازامواج رود خانه هاخواهند شنید وبربزرگی وشهامت او درود خواهندفرستاد.

به جرئت میتوان ادعاکرد که مسعود شهید فعلاً وارث ندارد وهیچ قدرتی در حال حاضر نمی تواند خلای فقدان اورا پرکند وازنام و هیبت او استفادهٔ اقتصادی، سیاسی وقدرت طلبی ببرد ./

****

لینا روزبه حیدری — وودبرج -ورجینیا

«غیرت افغانی»

ای برادرگاوخوردآن غیرت افغانی را — لاف ماندوباد بردآن غیرت افغانی را
غیرت افغانی اکنون شرح این بی غیرتان !
بزدلی، میهن فروشی کار این بی کسوتان !
نی هراسی از خدا و نی هراس ننگ و نام
هوش این بی غیرتان در حفظ جاه است و مقام
خون مردم در سرک چون آب باران بی بها
خانه اندر خانه در این خاک مغموم در عزا
زیر نام دین، نه مسجد ماند و نی بتخانه یی
هر کجا ویرانه شد، در هر کجا ویرانه یی
غیرت افغانی امروز مال مردم خوردن است
کاسه را بهر گدایی گرد دنیا بردن است
غیرت افغانی یعنی سست، یعنی بی اساس
مثل موشی نزد طالب زاری و صد التماس
غیرت افغانی یعنی لنگی پوشی با چپن
چند شعار و لاف بیجا در رثای این وطن
غیرت افغانی یعنی هر چه چالست و فریب
از برای حفظ کرسی، از برای خویش و جیب
سال ها در چنگ این تزویر ها قربانی ام
آه ! که بیزار از شعار «غیرت افغانی» ام

سیدآقا هنری — تینیری فا ـ اسپانیا

مردم وطن ما درچه حال بودند

درماه اسد ۱۹۶۳درلیسهٔ زرغونه اتفاق تکان دهندهٔ رخ داد، که کابلیان رابه گریه آورده ونفرت شانرا به خاندان غدارنادری بیشترکرد. بعدتفریح دختری به پته های زینه ازصحن حویلی مکتب بطرف صنف خودکشان کشان روان بود، تو گویی حالا ضعف میکند. مدیرمکتب خانم آصفی (همسرعبدالصمد آصفی عکاس مشهور) برای شاگردمیگوید، اودخترمثل که نان نخورده باشی، تیزتیز قدم بردار، شاگرد به گریه می افتد ومیگوید امروزسوم روزاست نان راندیده ام، استاد دستش راگرفته به اداره مکتب میبرد وازهوتل برایش غذا میخواهد، بعداً مجلس معلمین فیصله میکنند، تا صندوق محتاجین دایرشود .

فاصلهٔ ارگ پادشاه بااین مکتب فقط ۵ دقیقه بود، روزانه بدین منوال صدها واقعه درپایتخت وطن دیده میشد، حال ولایات به مراتب بدتر، درهمسایگی ما دردهمزنگ فامیلی بودسالهاروی میوه رانمی دیدند. مردی نزدی طبیبی میرود، داکتربرایش ویتامین سی راتوصیه میکند. مریض گفت پول ندارم. داکترمی گوید رشقه بخور، مریض چشمانش پراشک شده میگویدمن حیوان نیستم. داکترمیگوید، جانم برای اینکه رشقه زیادویتامین سی دارد، وارزان است.

خودبه چشمم درشهرتاشقرغان دیدم، مردم بته های گندلی رامیخوردند.(گندلی بتهٔ خیلی بدبوی است) تاشقرغان یکی ازپرحاصل ترین مناطق شمال میباشد.

محترم محمدیوسف مرددانشمند، مدیرلیسهٔ نجات شخصیت صاحب عزت، استادتوانا، هزاران شاگردشایسته به جامعه تقدیم کردند. برای ما دردفترمسجد مهاجرین واقع لندن شتراسی شهرهامبورگ قصه کرد: درعهدسلطنت داؤود تقدیرنامهٔ به من تفویض شد، معلمین خارجی وداخلی برایم تبریکی دادند، ضمناخواهش مهمانی دردرهٔ سالنگ کردند، دوستان سرگرم توپ بازی وتینس شدند، من برکوه بچهٔ بالاشدم، چشمم به پیرمردی افتادکه بته های راجمع میکند، پرسیدم کاکاچه میکنی؟ گفت این بته هارابرای خوراک دخترم گردمی آورم، همان لحظه بجانم آتش افتاد دویدم طرف دیگ وغوری نان برایشان آوردم.

بلی خوانندهٔ گرامی ازاین مثالها زیاداست، درسال ۱۹۶۹/۷۰ و ۷۱ حکومت نور احمداعتمادی وداکترظاهر قحط سالی رخ داد، وطنی که بایدصدهاملیون انسان رانان بدهد، اگرچند بیل سمنت، جهت مهارکردن وتقسیم بندی آب دریاهای ما، که رایگان به ممالک همجوارمیریزد، دروطن بکاربرده شود.چنانچه ازعرصهٔ ۵۰ سال به اینطرف بند سلما درولایت هرات، نسبت دخالت حکومت ایران و بند دریای لغمان نسبت دخالت حکومت پاکستان ساخته نمی شود.

مردم مامخصوصا درولایات نیم روزوفراه اولادخودرابه مبلغ یک یا دوهزار روپیه فروختند. درهمین حال شاهزاده احمدشاه رئیس حلال احمرچطورچپاول گری درصندوق پول آن میکرد. محترم میرمحمد نبی مشرف دراتحادیهٔ خیریهٔ باما درشهرهامبورگ همکاربود، گفت کمکهایی به مارسید، من رئیس هیئت کمکرسانی وسرطبیب درولایت فراه بودم، ازمالست اجناس رانادیده امضا طلب کردند، برایشان گفتیم این لست راقبول نداریم ازروی اموالیکه بماتحویل می دهید رسیدمیدهیم. هرچه آنهاپافشاری کردند، قبول نکردیم، نمایندهٔ شان راسا با شاهزاده تماس گرفت، احمدشاه برایم گفت داکترصاحب شمامارا دزد می پندارید، گفتم نه اماهیئت کورکورانه کارنمیکند، وقتی اموال رابازکردیم به مراتب کمتراز لست بود! این خیانت را برای ما مردخدا دوستی قبلا گفته بود.

محمد نذیرکبیرسراج هم ازاین واقعه درکتاب خود ص ۵۵ یاداوری کرده می نویسد، درولایات بدخشان غور،چغچران وفراه خشکسالی رخ داد تعدادی مردم ازگرسنگی جان سپردند که به کمک اردواین مشکل رفع شد. جنرال ادامه می دهد : من ازشهزاده احمدشاه خواهش کردم یکروزیک ساعت توسط طیاره در ولایت چغچران رفته ازمردم دلداری کند، برایم گفت من رفتنی هندوستانم، مرا درگیرپدرم ندهید، عجب تراین بود که وی یک هفته بامیان برای تفریح رفت، بعدبه هند، سراج افزوده دوپسرشاه دردانشگاه عسکری رفته درس نخواندند، اما نمرات اعلاگرفتندهرسال ترفیع میکردند، اماقادربه ادارهٔ یک بلوک هم نبودند، اگراینها دراردومحبوبیتی می داشتند کودتایی رخ نمی داد.)

گفته آمد که بنده به ولایات وطن مألوفم باربارخدمتی بودم، در حکومتی بلچراغ ولایت میمنه بایدبا اولیای اُمورتماس میگرفتیم، یک مأمورگفت حاکم روزی خانان، ملکان وبای ها راجمع کرد. برای شان گفت مدت سه سال من پوره شده، باسه بکس خالی آمده بودم دوبکسم پرشده یکی اش خالی مانده، دل تان همان بکس خالی راپرمیکنید، که بروم تبدیلی ام رابگیرم، یا حاکم نوبا سه بکس خالی بیاید. اهالی مجبوراًهمان یک بکس خالی را قبول کردند. حالاحاکم صاحب کابل رفته، تاتبدیلی اش رابگیرد. قاضی رخصتی رفته، مامورمالیه مریض است، حکومتی راخردظابطی تسلیم شده، وی چند روزقبل برای شکاربرآمده بود، گرگ مردهٔ را درجنگلی دیده وپرسیده گرگ راکی کشته؟ اهالی منطقه به خوشحالی مردی رانشانی گفتند، که ازبلای گرگ که شکم چند گوسفند را دریده، نجات شان داده بود، مرد راحاضر کرده، تحت تعقیب وتحقیق قرار دادند، که چراگرگ سرکاری را کشتی؟ بالاخره بعد چند شبانه روزبندیگری و دادن کفاره به خرد ظابط صاحب موضوع حل میشود. درولایت میدان با قاضی ولایت آشنا شدیم، ازدیدن چشمان درشت سبزرنگش که بارنگ سرخ خونی حلقهٔ داشت، ترس میخوردیم. نامبرده دوسیه راخودفیصله میکرد. مدت قیدرا قوس میگذاشت، برای فامیل مجرم احوال میکرد. اگرپنج هزارافغانی بپردازید، دوسال ودرغیرآن هفت سال بندی میشود. این مثالهای معمولی است، واقعات مانندآدم سوزی وبه زورگرفتن زمینهای مردم اوزبک ازطرف اسحق زایی ها ودگرزورمندان واینکه نمایندگان مردم اوزبک هفته ها دردم دروازهٔ پارلمان ووزارت داخله خوابیدند، کسی به سراغ شان نیامد.

فصل تابستان بود، درتخت بام خانهٔ ما دهمزنگ صبح روزدندان های خود را برس میزدم، که ناگهان صدای دخترانی خردسال بالاشد، هریک میگفتند ازمن است. دیدم دودختری ازبالاوپایین طرف تپی گاوی میدوندیکیش چندلحظه پس تررسید ودیگرش درجمع کردن آن بود. دختری دومی موهای دختردگر راکش میکرد، ومیگفت، گفتم ازمن است. هردوی شان هم چیغ میزدند،هم گریه، وهم جنگ می کردند.

گرچه ازین واقعه کم ازکم پنجاه سال میشود، حالاساعت ۱۲ شب درتینیری فای اسپانیا میباشد، جزازغوغو دوسگ، که باهم رازهایی تبادله میکنند، یا گفت وگوهای عاشقانهٔ دارند یاگله هایی، همه جا را سکوت سرسام آوری فرا گرفته، چند باراشک ریختم دستانم می لرزد، وباوقفه ها این چشمدیدم را برای اولین باربرای شما ثبت قلم کردم، درطول عمرم هرگاه این واقعه بیادم می آید، گلویم میگیرد، هرگاه تنهامیباشم، بغ میزنم، وجرئت نبشتنش را نداشتم .

باید این مادران آیندهٔ وطن درآن سن وسال مکتب میرفتند، درسی فرامیگرفتند، تا اولاد صادق وکارکنی، به جامعه بارمی آوردند وبا یک دگرمحبت میورزیدند.

درکوی نیکنامی ماراگذرندادند — گرتونمی پسندی، تغییرده قضارا — حافظ

اززبان مرحوم نجیم آریا شنیدم که می گفت، ایکاش ما هم مستعمرهٔ انگلیس می ماندیم. وازدل پردرد دیگری، داکترنصری حقشناس باری شنیدم : قربان کلاه بازی های خداوند شوم. تاصحبت دیگر خدا حافظ شماخوانندگان عزیزامید ! /

گفتگو با پروفیسر زیار زبانشناس افغان

دویچه ویله: آیا فارسی و دری یک زبان اند ؟پروفیسرزیار: اصول و ضرورت واژه سازی در زبان ها طی سه صد سال تحقیقات خاورشناسی، زبان شناسان این رادریافته اندوحدودو ثغور آن را تعیین کرده اند که لهجه هیچ وقت زبان شده نمیتواند. تنهاچندنویسنده یی بودند وخواستنددرقانون اساسی ۱۳۴۳ تنهایک کلمه دری رادرج کردند درحالیکه لااقل کلمه فارسی همراهش بایدمی بود و باید فارسی دری می گفتند. این غلط مشهور ازآن وقت به این طرف (۳۰-۴۰) سال ادامه پیدا کرده است؛ و گرنه همان یک زبان فارسی است.

دویچه ویله: جناب پروفیسرمجاوراحمد زیار؛ دراین روزها بحثهای داغ پیرامون زبان فارسی دری درافغانستان ودرخارج میان قلم بدستان سطوح مختلف جریان دارد. خیلی ها درمورد ازشما بعنوان یک زبان شناس نقل قول کرده اند؛ میخواهم از زبان خود شما بشنوم که فرق میان فارسی و دری چیست ؟

پروفیسر مجاوراحمد زیار: اصلاً هیچ فرقی نیست ودری اصلاً یکی ازصفات فارسی نوین است که از قرن هشت به این طرف؛ در مرحله نوین این لقب را بخود گرفته است. این که منشأ آن هرچه بوده یک چیزی بسیار پسندیده بود که خصوصاً در ایران کاربردی داردکه میگویند: فارسی دری، وهیچ وقت در نوشته های خودیادرقانون اساسی خوداین رانمیآرد.ولی درافغانستان این موضوع چندان سابقه ای طولانی ندارد. تنها چند نویسنده بودند و میخواستند که این در قانون اساسی۱۳۴۳اگربه نام فارسی اینرا شامل بسازند، امکان داردکه بعضی حساسیتها تولید کند؛ بعداینراگرفتندصفت راجانشین موصوف ساختند. عوض اینکه بگویندفارسی افغانی یافارسی دری، لااقل کلمه فارسی همراهش بایدمی گفتندولی تنهایک کلمه دری راماندند. ولی شمامی فهمید که نویسندگان امروز اصلاً کلمه دری را بکلی برداشته اندودیگرآنرا بکار نمیبرند.ولی درقانون اساسی تمام اسناد رسمی دولت افغانستان همینطور ثم به ثم ازآنوقت به این طرف (۳۰-۴۰)ادامه پیداکرده ؛ به اصطلاح یک مشهورغلط که میگویندیاغلط مشهور که میگویند وگرنه همان یک زبان فارسی است که یک لهجه عمده آن درایران است ودرافغانستان ویک لهجه یاگویش آن درتاجیکی است. درافغانستان خوش بختانه که دولهجه تاجیکی وخراسانی به اصطلاح باهم جوش خورده اند.تاجیکی درمیان زبانشناسان خاورشناس باین معناکه ازطرف ماورالنهرباخصوصیات کلمهٔ بله ولهجه خراسانی—خراسان ازطرف هرات، مشهدکه خراسان قدیم را یاد آوری میکند- که کلمهٔ آری میباشد، آمده است. شمابا این برخورده باشیدکه از کابل سوی شمال که میروید، کلمه بله، رازیادمیشنویدوطرف غرب که میروید طرف غزنی، طرف هزاره جات به کلمه آری برمیخورید.این موضوعات در طی سه صدسال تحقیقات خاورشناسی، زبان شناسان این را دریافته اند وحدود و ثغورآنراتعیین کرده اندکه لهجه هیچ وقت زبان شده نمیتواند.دراین قسمت من همان نظر استادهای اروپایی راتایید میکنم، خصوصاًزبان شناسی تاریخی این را اثبات میکند. به اینهمه(شوندگان ما)وخبرگان اهل فرهنگ معترف اند که یک فارسی است. منتها بازهم غلطی رامرتکب میشوند وبرای اینکه نشان بدهند و ملیت آن را به اثبات برسانند، در حالی که تمام زبان های که از ۴۷ زبان که در چهارگروه عمومی عمده تقسیم شده اند؛ کل زبانها، زبانهای ملی شمرده میشوند.

دویچه ویله: آقای زیار؛ شما هم شخصاً برای بسیاری واژه های بیگانه برای زبان پشتو معادل وضع کردید که البته با بی مهری برخی ها مواجه شده اند. حالا چه نیازی برای وضع کردن واژه های نو برای یک زبان و یک جامعه است؟

پروفیسر مجاوراحمد زیار: بله؛ یک امریست ضروری، خصوصاً در زبانهای مایک پیشینه تاریخی بازبان عربی وجود داشته است. شما می فهمیدکه فارسی ما ازفارسی میانه درخراسان بوجودآمد—یعنی نو ایجادنشد بلکه ازمادرخود زاده شد- ماآنرا زبان میانه میگوییم وکسی هم پهلوی میگوید. ولی زبانشناسان به این اهمیت میدهند وفارسی میانه، پشتوی میانه، بلوچی میانه وکردی میانه این گونه اصطلاحات را به کارمیبرند . یعنی درقسمت خراسان وقتیکه این زبان دوباره از زیرظلم واستثمار عربها بالآخره دراین قسمت خراسان که حالا تقسیم شده بین ایران و افغانستان باشندگان این مناطق به سلسله مبارزات آزادی طلبانه بالآخره موفق شدندکه درقرن سوم اسلامی زبان فارسی حداقل اجازه اینراپیداکندکه مردم آنرا بکاربرند. برای دفاتر متعصبین عباسی اجازه نمیدادند. تنهادرادبیات ودریگان مقاله نوشتن و کتاب نوشتن همان سانسوری بودکه آنرابرداشتندولی مجبوربودند بازهم بخاطرسختگیری عربها آنراباکلمات عربی مخلوط بسازند. مردم که گپ میزدندمیدیدند که فرق دارد با زبانی که تا آخرین پادشاه ساسانی تا یزدگرد آن رواج داشت. و در متون البته آن ثبت شده بود. همین است که دری یاد میکند. بیشتر زبان شناسان معتقدند که این را از دره ها جمع کرده اند.

بالآخره ایرانیهااول متوجه شدندکه واقعاًهمراه این زبان جفا شده وچرا به زبان فردوسی و رودکی و... روی نیاوریم. و شروع کردند فرهنگسرا راتاسیس کردند. ودرپشتو به این اندازه البته نبوده چرازبان رسمی درآن وقت نبود، زبان فارسی برای همه قابل قبول بودوبحیث زبان دوم اسلامی، پشتونها، بلوچها، کرد هاوهمه قبول کردند که این زبان(نسبت به عربی برای ماسهلتر)و آسانتر است و از یک خانواده هستند.

دویچه ویله: واژه ها و اصطلاحات برچه مبنا وضع می گردند. آیا جغرافیای سیاسی شرط حتمی است یا ریشه های زبان و واژه ها؟

پروفیسرزیار: نخیر! همین گپ دوم درست است. دویچه ویله: یعنی ریشه ها؟

پروفیسرمجاوراحمد زیار: بله، ریشه هاو معادل هاییکه در زبان موجود اند، مثلاً دانشگاه یاپوهنتون که به میان آمده اند، از روی کلماتی بوده اندکه سابق درهردوزبان موجودبوده اند.پشتوبیشتر به(تون)ساخته امادری بیشتربا گاه. ولی تنها همین دو[سفکس] (پسوند) نیستندپسوندهای بسیارزیاد درپشتوو فارسی اند وبه دوقسم اندیکی به شکل ترکیب ویکی هم به شکل اشتقاق. در عین زمان یک الگو و یک سابقه‌ای در زبان داشته باشد. بنابرآن چون دانشگاه هم نمونه داشت وخلوتگاه و... خیلی زیاد بوده اند که پسوند (گاه)را با کلمه دانش یکجا کردندو دانشگاه شد. در پشتو هم چون (تون)به معنی جای بود و پوهن هم به معنای علم یا دانش است پسوندراباآن یکجاکرده یک ترکیب شدودرعین زمان یک مشتق را بوجود آورد. به همین قسم کلماتی از قبیل (شونزی)ویادر فارسی موشک که با اضافه کردن پسوند به یک کلمه بوجود می آید.

دیگر کلماتی مرکب اند. کاملاً دو کلمه مستقل را باهم یکجا کرده یک کلمه جدید را بوجود می آورند. این نوع دیگری واژه سازی است که مثال آنرازیاد داریم. مثلاً واژه شناسی یا دانش واژه. دانش هم یک کلمه مستقل است و واژه هم یک کلمه مستقل است، هردو یکجاشده کلمه جدید دانش واژه را میسازد. اینکه ماکلمات ایرانی را به این که معنای زبان مامستقل است، زبان ما دیگر است و مابايد آن کلمات راهیچ راه ندهیم مثلاً چاپخانه نگوییم عوض آن مطبعه بگوییم؛ یامثلاً لهجه بگوییم، گویش نگوییم؛ این کاملاً یک برخورد غیرعلمی است ودرجهان تداول ندارد. گویندگان یک لهجه به اندازهٔ تنگ نظرشوند که زبان عمومی جلوگیری میکنند که داخل لهجه شان شود. مثلاً کلمه قوماندان رامحکم بگیریم که انگلیسی است و فرماندهی را استفاده نکنیم که ازما نیست و از ایران است. یعنی فارسی ایرانی است وبا فارسی ما هیچ ارتباطی ندارد!!! یک تعداد متعصبین می گویند ما این موضوع را قبول نداریم.

دویچه ویله: یک جهان تشکر از شما ./

بازگشت همه به سوی اوست
به یادشادروان محمدعصیم کوشان، که همکارمهربان امید تا روز پیوستنش به حضرت حق (ج) بود ـ

عبدالاحد ناصرضیایی، دوسلدورف، آلمان : محترم کوشان صاحب!

بعداز سلام، مریم و من به خودت وخانمت تسلیت وهمدردی عمیق ما را نسبت وفات عصیم جان ابراز میداریم، به حیث شهید، خداوند بهشت نصیبش نموده است. بازهم :

جایگاه نور باداخاک او رحمت حق بر روان پاک او بااحترام

محمد اسحق ثنا، ونکوور، کانادا : بسمهٔ تعالی، دوست دانشمند، نویسندهٔ آگاه، جناب کوشان السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته ! امیدبه سلامت بوده بافامیل محترم ودوستان درحفظ الله(ج)باشید. قبل ازقبل وفات فرزند گرامی تانراتسلیت گفته ازخداوندعالمیان صبرجمیل استدعادارم روح متوفی راشاد میخواهم.

شمارهٔ ۱۰۱۶برج مارچ۲۰۱۶ هفته نامهٔ امیدراازطریق پوسته به دست آوردم و ازمطالعهٔ مطالب آموزندهٔ آن مستفیدشدم. درین راه موفقیتهای شمارا آرزومندم. همراه بااین نامه دوپارچه ازسروده های خویش راجهت نشربه هفته نامه ارسال نمودم، امید بانشرآن منت بگذارید. ازلطف شماقبل ازقبل ممنون وسپاسگزارم .

غمش در سینه ام پنهان نگنجد فغانـــم در دل ویران نگنجد
درین شهرای اجل بشتاب سویم غم بســیار من در جان نگنجد
دل بیچاره ام از غصه خون شد هجوم غم درین زندان نگنجد
کجا این بارغربت می برد دوش به شهری بار سرگردان نگنجد
دل سنگ و ســیاه فتنه گستر رود درسنگ سنگستان نگنجد
(ثنا) فرعون عصـــر ما بمیرد یقین درخاک گورستان نگنجد

داکترمیرمحمدامین رافق، لورتن ـ ورجینیا : دوست وبرادرمهربانم آقای کوشان را، که میدانم نوروزسال۱۳۹۵ بی وجودعصیم جان برای شان رنگ ورایحهٔ نداشته است، ومن هنوزآن عزیزمتبسم را پیوسته درمیان دعاهاونیازهایم نگهداشته ام، اینک مثلی که شما در جریان قراردارید، اندوهی برخانوادهٔ ماهم سایه افگندومن درست در روزنوروز خشوی مهربانم راکه مادرمهربانی برای دخترش و خانم دلسوزی برای شوهرش ومادر کلان خوش صحبتی برای نواسه های نازنینش، یعنی فرزندان من بود، ازقفس زندگی آزاد دیدم. بهمه حال اینک همان سه صفحهٔ راکه دوستان برمزارش قرائت کردند، به خدمت شماعرضه میدارم تااگردرشمارهٔ بعدی زمینهٔ چاپ آنرافراهم فرمایید، که قبلاً پاس سپاسش را برجامیگذارم .

از امین رافق تقدیم به نظیره !

دررثای مرحومهٔ مغفوره بی بی حاجیه روح افزا خلیل

سال نوافغانستان، صدای تقویم۱۳۹۵ رابگوش زمان زمزمه کرد، اما درین روزکه مصادف است با۱۹مارچ۲۰۱۶، عزیزترین عزیز، دلسوز ترین مادرومهربانترین همسردارفانی راوداع گفت اناللّه واناالیه راجعون.

این انسان پاکدل ونیکوسیر، که تقریباًهمهٔ عمرگرامیش رادرعشق به خدای لایزال ورسول برحقش سپری کرد، المنته لله که مشرف به زیارت مبارکهٔ حج بیت الله شریف نیزبود، وچه بس که بعدازبرگشت ازآن مکان مقدس، پیوسته منهمک به دین مبارک اسلام بوده وبرنامه های تلویزیونی راکه درین رابطهٔ نیک، سخنی برای گفتن داشتند، کمترناشنیده ماند، این خانم نیکوخصال، در سمت یک خشوی مهربان، افسانه های دلپذیری برای این دردمند حیران نیز داشت، و

اکنون که بجز صبر ودعا چیزدیگری دربساط نیست، اجازه بفرمایید تا چند بیتی راکه دررثای آن مرحومهٔ مغفوره نگاشته ام، تقدیم حضورشما سازم .

اگر نوروز مـــهرآسا نباشد اگر با مژدهٔ گـــل ها نباشد
اگر فرش چمـن زیبا نباشد بهاری راکه روح افـــزا نباشد
بـــهار بوستان ما نباشد
بهارزندگی دریک چنین روز درین آغازین قدوم پیک نوروز
ز مرگ مادرپرلطف ودلسوز پیامی ریخت چون تیر جگر دوز
دگر امروز را فردا نباشد
دگرآن مادرآن بانوی غمخوار دگرآن پاکدل آن پاک کردار
دگرآن مؤمـن فرخنده آثار دگرآن منـــهل فیض گهربار
انیـــس تشنهٔ تنـها نباشد
الهـــی روح او را شاد گردان ز افسون ســتم آزاد گردان
به دورش از کف بیداد گردان ز خلدش برزخی آباد گردان
که بی مهر تو اش مأوا نباشد
دعای (رافق) غمـــگین خدایا درین شـــام سیه سازد تمنا
که از روی کـرم ای رب اعلی براو بخش وبه یاران صبرفرما
دعایی داشتـــم، دعوا نباشد

آمین یارب العالمین

اداره : خداوندمهربان روان مرحومه بی بی حاجی روح افزاخلیل رادر ذیل الطاقش شادبدارد وبه خانوادهٔ محترمش بویژه همکار گرامی جناب داکتررافق صبرجمیل اعطافرماید.

ضایعهٔ بزرگ علمی

داکتر محمد مبین شورش شخصیت فرهنگی، علمی و سیاسی از سرزمین هرات افغانستان بود. وی به تاریخ ۱۲ اوریل ۲۰۱۶ در ایالت ورجینیا امریکا وفات کرد و در همان ایالت به خاک سپرده شد. او دانشمندشناخته شده در خصوص مطالعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، وعلمی آسیامرکزی واسلاونیک در سطح بین الملل بود.

داکترشورش بعد ازتحصیلات عالی در سطح لیسانس وماستری ازدانشگاه میشیگان وداکتری ازدانشگاه شیکاگو، عضو هیئت علمی دانشگاه ایلینوی امریکا شدو سی سال درین دانشگاه تدریس نمود. از جمله مجموعه تحقیقات انجام شده وموضوعات تدریس شده توسط داکتر شورش را می توان اقتصاد آموزش، درسترسی اقلیتهای قومی به سیستم های آموزشی و آموزش و پرورش کشورهای آسیا ی مرکزی عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق را نام برد .

وی عضو بنیانگذار یکی از اولین انجمنهای محصلین مسلمان امریکا، و عضو بنیادگذار مسجد مرکزی و مرکز اسلامی ایلینوی بود. علاوه براین، داکتر محمد مبین شورش شخصیتی که همواره مدافع حقوق و کرامت انسانی مردم افغانستان در چهل سال جنگ پایان ناپذیر بود.

خانواده اش: همسرش خانم ریکا شورش وفرزندانش جمشید شورش، شهین شورش، و یاسمین شورش و خواهرش داکتر زیبا شورش او را شخص اجتماعی وعلاقمند طبیعت، دوستدار و ورزشکار بازی شطرنج میدانند.

و در اخیر، خانواده مرحوم داکتر محمد مبین شورش اهدای کمک به نهاد های ذیل را غفران و رحمت الهی برای آن عزیز و حمایت و توامندسازی به این نوع خدمات می دانند. روحش شاد و یادش گرامی باد !

اداره : یاد شادروان جناب داکترمحمدمبین شورش راارج میگذاریم، وباخانوادهٔ محترم شان بویژه داکتر زیباشورش اظهارهمدردی و غمشریکی می کنیم .

****

بررسی اجمالی ... (دنباله ازصفحهٔ هشتم)

گه بپوشدخویش را اندر ردای علم و کبر
گه لباس زهد و تقوی با عبا و با ازار
گه مریدان را مراد و گه مرادان رَا مرید
گه شریعت را شعار و گه طریقت را دثار
گاه صوفی، گاه شیخی، گه حکیم و گه فقیر
گاه این را مستشیر و، گاه آنرا مستشار
روزدر مسجد نشیند، شب خراباتی شود
صبح تسبیح و مصلی، شام با طنبور و تار
گاه درمیخانه، گه بتخانه، گاهی در حرم
گه لباس قطب پوشد تا شود فخر کبار
ترک دنیا میکند از بهر دنیا ای عجب
داده عبد البطن خود را اهل باطن اشتهار
ریش سبلت را بباد نخوت اندود است و کبر
لیک بر ریشش بخندد روزگارش روز کار
رفته اندر خم که تا طاووس علیین شودَ
امتحان حق چو آید می رود او شرمسار
الغرض مقصود شری دربشر افکندن است
پیرهن ازگل بپوشد یا که بر سر تاج خار
چونکه که با حق نیست او، هرجا که باشد ناحق است
خواه دنیا، خواه عقبی، خواه جنت، خواه نار
هرچه راه مرد رهرو منحرف سازد ز حق
درحقیقت اوست دنیا، اوست شیطان، اوست مار
مولوی معنوی فرمود کاین نفس خبیث
گرنماز و روزه میفرمایدت باور مدار
دزدیرون راتوانی بست پای از دست بُرد
پنجه با دزد درونی چون کنی، ای نامدار
زآنکه مال و زر و زور وجانت دست اوست
جمله بخشیدی و در ملک تو اوشد بخشدار
مرد مطلق، مظهر حق، از پی ارشاد خلق
سه طلاقش داد و زدتکبیر برفرقش چهار
گر ترا ننگ است ازبدنامی این بد رفیق
ور ترا عار است بودن پهلوی فجّار جار
گرترا برسر هوای کوی دلدار است و بس
ور ترا شوری است در دل از نگاه آن نگار
بر میان زن دامن همت به نیروی عمل
اهل استغفار باش و افتقار و اغتفار
خاک شو درپای مردان تاکه یابی آبرو
ورنه زآفات هوای نفس افتی در شرار
یکره ازاین خاک، جان پاک برافلاک بر
آب وخاک وباد وآتش رابه اصل خودگذار
ورنخواهی تلخکامی صبر کن در کار خضر
بند ناکامی مباش و تخم بدنامی مکار
رهزنان اما به دلق رهنمایان بیحدند
بایدت رندانه رفتن تا نگردی دل فکار
پیرجاهل، شیخ گمره، هردو شیطانند و غول
صحبت ناجنسَ دورت دارد ازحق گوشدار
هرکه دعوی کرد خودبین است وخودبین مشرک است
کاروان را می کند اغفال و با دزد است یار
گر نیابی مرد چون من در پس زانو نشین
دل بدل می دم که تا پیدا شود راه گذار ...//

****

ازتهاجم برچراگاهها... (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

لاله سان در وادی وحشت گریبان کنده ایم
درطریق عشقبازی ازکسی کم نیستیم
کوهکن گریبستون کنده ست ما جان کنده ایم
بسکه برگشتند ازپیمان وبشکستند عهد
ما دل اکنون از وفای اهل دوران کنده ایم

****

صفحاتی ازیک زندگی ... (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

نبینی که سختی به غایت رسید مشقت به حد نهایت رسید؟

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر - یکسال (۱۱۰) دالر

سایرکشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly
P.O. Box 30818
Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
Email: mkqawi471@gmail.com

(امید) بیست و پنج ساله شد (دنباله ازصفحهٔ دوم)

سال۲۰۱۳ بودکه این بندهٔ عاجز به مرض نمونیای شدیدی مبتلاشده، بیش از ۲۴ساعت درحالت کومارفتم، وپس ازبیست روزمداوا نیمه جان به خانه برگشتم وشش روزپس ازآن شمارهٔ بعدی امید رابه هموطنان گرامی ام تقدیم داشتم.

خاطرهٔ ارزشمندی را ازروزهای بستری شدنم درشفاخانه بیان میکنم که خالی از لطفی نخواهدبود. درتوالی آن بیست روز، تعدادزیادی از هموطنان، حتی از ایالات کالیفورنیا ونیویارک ودور وبر ورجینیا به عیادتم آمدند، البته بنابر تشخیص داکتران معالج، بعضی ازعزیزان به اصطلاح شوخی آمیزوطنی،تخته شستشوی میتم را سربالاگذاشته واز افغان اکادمی جویاشدندکه آیااین حقیرحق العضویت قبرستان باغ فردوس رامرتباً پرداخته ومستحق استفاده ازقبرخواهم بود، پاسخ را مثبت یافتند وخاطرشان جمع شد ! اما جالب اینکه کثرت عیادت کنندگان این وهم را به بعضی ازمسئولان شفاخانه القاء کردکه شاید چنین مریضی، آدمیست که سرش به تنش می ارزد ! درحالیکه مریض شان شخص خاکسار و گنهکارمیباشد. علی ایحال، درروزاولی که درکومارفته بودم، اتفاقاً دوست و برادرم احمدولی مسعود به واشنگتن آمده بود، ودراولین لحظات برای عیادتم، باجمعی ازدوستان ازجمله استاد عظیم آریا، پسرخالهٔ آمرصاحب شهید، به شفاخانه آمد، وبعد همسروخواهران وبرادرم گفتندکه لحظاتی طولانی درک نار بسترت نشست، اما تو در(عالم هپروت) بودی! چندروزبعد، احمدولی جان و دوستان همراهش بار دیگربه دیدارم آمدند وباهم دریک اتاق جانبی مدتی نشستیم وبه تبادل نظر پرداختیم و ازعطف توجهش تشکر کردم .

بهرروی، شام روز۲۵ نومبرسال پار فرزند دومم شادروان الحاج انجنیرمحمد عصیم کوشان درسن سی وسه سالگی دعوت حق را اجابت کرده به لقاءالله پیوست. مرگ ناگهانی آن جوانمرد مهربان و خداجوی، کمر من ومادرش را شکست و دردی تلخ وجانگداز نصیب ماشدکه تازنده ایم، مارا میسوزاند . او بودکه ازآغازنشرامیدهمراه بابرادربزرگش محمدقویم کوشان، تمام مسئولیت اداری این نشریه را بدوش داشتند، و ازسال۲۰۰۱ به بعد به تنهایی به این امور رسیدگی میکرد ودر روز چاپ اخبار، لیست مشترکان را به روزرسانده وجهت نصب برپاکتها تهیه می نمود. اینک برای شمارهٔ ۲۰۰۹ این نعمت را خداوند ازما گرفته بود، لذا برای باردوم امید سه روزدیرتر از موعد معین چاپ شد.

این راهم دربارهٔ آن مرحوم قابل تذکارمیدانم که وقتی به شمارهٔ هزارم امید نزدیک می شدیم، اوپیوسته به من میگفت انتشارامید را قبل ازشمارهٔ هزارم پایان بده، یا آنرا بعدازشمارهٔ هزارم نیزچاپ کن، تا مبادا از اینکه امید را به هزارشماره رساندی مغرورشوی، و غرور آدمی را نشاید ! روحش شاد باد که نکتهٔ رسا وپرمعنا داشت اندرین باب !

نکتهٔ پایانی عرایضم اینست : دراین نشریه درحال حاضرفقط سه آگهی به نشر میرسدکه صاحبان آن با لطف خاص وعلاقه به آن، در بدل آگهی امید را تقویت مالی میکنند، یک اعلان آن رایگان و در جهت کسب ثواب مربوط یک بنیادخیریهٔ خدمتگزارهموطنان مظلوم ومستحق درداخل کشور، و دوی دیگرآن جنبهٔ فرهنگی داشته و البته عاید مالی ندارد. این تنها وجوه اشتراک مشترکین گرامی، و اعانات دوستداران است که به سختی مخارج گوناگون امید تأمین میدارد. تعدادی ازعزیزان سال پیش پذیرفتند ماهانه یاهرسه یاشش ماه مبلغی اعانه بفرستند، این تعداد رو به کاهش میرود ـ بنابر فراموشی یا ... حالا بصورت جدی آمیخته باشوخی بایدگفت که تحفهٔ بیست وپنج سالگی امیدتان را بحساب هرسال ده دالر یا کمتر و بیشتر بفرستید تابنیهٔ مالی آن تقویه گردد، اما قول داده میشودکه از آن وجوه کیک سالگرد و۲۵ شمع وپلوچلو وکباب تهیه نمی گردد !

سپاس وامتنان صمیمانهٔ ام رابه همکاران قلمی دانشمند، وطندوست و ارجمند امید عرضه میکنم که با نگارشات وپژوهشهای ارزنده و عالمانهٔ خویش، این نشریهٔ خدمتگزارهم میهنان، را ارج و تعالی واعتبار بیشتر مطبوعاتی بخشیده اند، و باجگر کباب شده از نبود محمدعصیم، به شما دوستداران وخوانندگان امید وعده می دهم که باعنایات الله پاک، درصورت ادامهٔ حیات و دستگیری و امدادمالی، نشریهٔ امید باهمین خط مشی وراه وروش مستقلانه ومیهن خواهانه، دربرابرجاهلان عصرحجرطالبی+ گلبدینی+ حقانی، طالبان نکتایی پوش پوسیده فکرفاشیست مشرب اکثریتخواه موهوم و باطل، همچنان با صدای رسا خواهد ایستاد، دسایس دشمنان اقوام باهمَ برابراین ملت مظلوم ومزدوران آی اس آی و سایرسیه اندیشان راافشا نموده، به روشن ساختن هرچه بیشترتاریخ واقعی وحقیقی خراسان باستانی وافغانستان امروزی ادامه خواهد داد. بعون الله تعالی

این یادداشت را، نظربه اوضاع جاری کشور ومخالفت هاومعاندت های سران دوگانهٔ (حکومت وحشت ملی ـ ع و غ)، با همان تتمهٔ بیان از زبان سالار سخن پارسی دری، شادروان استادخلیل الله خلیلی به پایان می برم، که در آغاز بیست و چهارمین سال انتشار امید عرض کرده بودم . استادعلیه الرحمه چنین فرموده است :

شنیدم ز درویش روشن روان که چون سفله را بَر کَشد آسمان
بکوبدبه گوشش دو میخ حدید که حـــرف حقیقت نباید شنید
در آرد به چشمش دو میخ دگر که حق گردد از دیده اش مستتر
یکی میـــخ دیگر گذارد نهان که چون حکم عزلش رسد ناگهان
چوداری تو برصدر عزت قرار برآن میخ پنجم نظر بر گمار !!!/

****

نه باران هـــمی آید از آسمان نه بر مـــی رود دود فریاد خوان
بدوگفتم : آخر ترا بـاک نیست کُشد زهرجایی که تریاک نیست
گر از نیستی دیگری شد هلاک ترا هست، بط را زطوفان چه باک؟
نگه کرد رنجیـــده در من فقیه نگـــه کردن عالم انـــدر سفیه
که مردارچه برساحلست ای رفیق نیاســـاید و دوســـتانش غریق
من از بی نوایی نیـــم روی زرد غم بی نـــوایان رخم زرد کرد
نخواهد که بیند خردمـند، ریش نه برعضو مردم، نه بر عضوخویش
یکی اول از تنـــدرستان منم که ریشـــی ببینم بلـــــرزد تنم
منغص بود عیـــش آن تندرست که باشد به پهـــلوی رنجور سست
چوبینم که درویش مسکین نخورد به کام اندرم لقمه زهرست و درد
یکی را به زنـــدان بری دوستان کجامانـــدش عیش در بوستان؟/

خاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه

به زودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکس های تاریخی به چاپ می رسد.
علاقمندان لطفاً هرچه زود ترشرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامهٔ امید یا ایمیل ذیل ارسال دارند.
تلفون ٤٣٥ـ٤٦٠٤ـ ٥٧١
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 25, Issue No. 1018 , May 1, 2016, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

کتاب (یادداشتهای استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری وآقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانندیک نسخهٔ آنراز مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, $19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

PHONE # (510) 792-2629 | BANK OF AMERICA | ACCT # 06636-74303

خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.

PANAH CHARITY FOUNDATION

PANAH CHARITY
P.O.BOX 3131
SAN RAMON, CA 94583
www.panahcharity.org
rbenish@panahcharity.org
501c (3)

سخنرانی غنی ۱۰ وزارت واداره را تعطیل کرد !

۲۵ اپریل/کابل ـ افغان پیپر: رئیس جمهورغنی احمدزی درجلسه مشترک مجلس نمایندگان و سنا، امروز دوشنبه ۶ ثور ۹۵ با هدف روشن ساختن موضع دولت در برابر صلح و جنگ، حاضرشد. طبق اسناد بدست آمده، برای شماری ازوزارتها واداره ها تعطیلی رسمی اعلام شده است.غلام نبی فراهی وزیردولت درامورپارلمانی طبق یک مکتوب خواست که جهت تامین امنیت بیشترمحفل سخنرانی رئیس جمهور، کارمندان وزارتهای احیا وانکشاف، انرژی وآب، تجارت وصنایع، صحت عامه، اطلاعات وفرهنگ، تحصیلات عالی و اداره های دادستانی، مستقل اراضی، کنترل وتفتیش، سرکارخود حاضر نشوند.

پاکستان یک پلیس سرحدی رابه شهادت رساند

۲۴ اپریل /ننگرهار ـ باختر: نظامیان پاکستانی درساحه دوب بابه بر پوسته های امنیتی لوای سرحدی ولسوالی گوشته درساحه انارگی با اسلحه سبک وسنگین آتش نمودکه تا حال ادامه دارد. ازاثر این آتش باری دومنسوب لوای سرحدی مجروح ویک پلیس سرحدی به شهادت رسیده است .

اظهارات ضد و نقیض ناتو و روسیه در مورد داعش در افغانستان

۲۴اپریل/کابل ـ باختر:سخنگوی ماموریت حمایت قاطع ناتو در افغانستان اظهارات مقامهای روسی درباره تعدادجنگجویان داعش در این کشور را ردمی کند. پیش ازین برخی مقامهای روسی درمورد افزایش تعداداعضای داعش در افغانستان ابرازنگرانی کرده‌اند. اما جنرال چارلز کلیفلند روزشنبه درمصاحبه با رادیو آزادی گفت: شمار احتمالی جنگجویان داعش در افغانستان ازیک تا سه هزارنفراست. ما شماراین گروه را تااین حد نمی‌بینیم، ما گزارشهای رادیده ایم که مقامهای روسی گفته اندابن تعدادبه ده هزارمی‌رسد، اما ماباور داریم که رقم آنان ازیک تا سه هزاراست، ممکن این رقم دقیق نباشد و باید گفت که مشخص ساختن ارقام دقیق اعضای این گروه مشکل است.

به گفتهٔ کلیفلیند، در نتیجه حملات هوایی ماموریت حمایت قاطع در افغانستان تا حد زیاد گروه داعش سرکوب شده ودرجریان سه ماه اول امسال نیروهای ما نزدیک به صد حمله هوایی انجام داده‌اند که تعدادزیادآن درولایت ننگرهار بر ضدداعش صورت گرفته است.اما سخنگوی مذکوردرمورد اینکه چه تعداد اعضای داعش در نتیجه این حملات کشته اند، معلومات نداد. کلیفلند ننگرهار، کنر و غزنی را ازولایاتی خواند که دربرخی نقاط آن داعش حضوردارد یا نشانه های از فعالیت این گروه دیده شده است.

پیش ازین ضمیرکابلوف، نماینده خاص روسیه برای افغانستان و برخی دیگراز مقامهای روسی گفته اند داعش در افغانستان تا ده هزار جنگجو دارد و فعالیت های این گروه درحال گسترش است. کابلوف اخیراً به گونه واضح حضور داعش در افغانستان را برای امنیت روسیه یک تهدید خوانده گفته بودروسیه به هدف سرکوب داعش همکاری های استخباراتی را باطالبان افزایش داده ، اما روسیه و همچنان طالبان این گزارش ها را رد کرده‌اند.

داعش ازجمله شش گروه مخالف مسلح است که به گفته قوماندانی ماموریت حمایت قاطع ناتو،درحال حاضردرافغانستان فعالیت می کند.

سخنگوی این قوماندانی می گوید که هنوز هم طالبان در برابر نیروهای امنیتی افغان بزرگترین گروه مخالف مسلح است .

****

دربارهٔ فرهنگ (دنباله ازصفحهٔ سوم)

اگراشرف غنی دردور اول رأی بیشترنسبت به عبدالله میداشت، انتخابات به دوردوم کشیده نمی شد زیراعبدالله با وجودیکه پدرش پشتون تبارازقندهار بود، به مثابهٔ یک پشتون تلقی نمی گردید. البته علاوه ازپشتون بودن، غنی احمدزی باغرب هم ارتباطات تنگاتنگ داشته است.

اما آنچه رانباید فراموش کرد اینست زمانیکه بعضی اقوام نسبت به اقوام دیگرتساوی بیشتر داشتند به پایان رسیده ودیگرامکان ندارد یک قوم برقوم دیگرحکمروایی کند. آن قدح بشکست وآن ساقی برفت ! حامدکرزی باموجودیت حمایت بیشترازصدهزارنظامی خارجی وحدودسه صدهزاراردو وپلیس ملی نتوانست که حکومت مرکزی قوی را ایجاد کند.

کاستن ازتنیشهای قومی، مذهبی وایجاد وحدت ملی مستلزم آنست که یک شکل فدرالیسم درافغانستان ایجاد شود. بعبارت دیگربه ولایات کشورقدرت بیشتر داده شود. درمرحلهٔ اول هرشهرهرولایت شهردارخود را انتخاب کند، والی هابه مشورهٔ شورای ولایتی ومو سفیدان ازطرف حکومت مرکزی گماشته شوند وازساکنین همان ولایات باشند. تعیین قوماندانهای امنیت، قاضی وروسای هروزارت باید ازهمان ولایت باشند وموردقبول شورای ولایتی وبزرگان ولایت باشند. این امر مردم ودولت مرکزی راباهم نزدیک ساخته وازنفوذ طالبان ودهشت افگنان دیگرجلوگیری خواهدکرد .

درکابینه تعادل قومی کشوردرنظرگرفته شود، اما کاندیدان شایستگی، لیاقت وتعهد داشته باشند. درغیرآن اگر وضع مملکت داری به همین وضع موجود و سردرگمی ادامه پیدا کند، مملکت بیشتر رو به خرابی و بدبختی خواهد رفت. /

دوام حکومت ناکاره وحدت ملی (دنباله ازصفحهٔ سوم)

درافغانستان دارد که موظف میباشند، قوای افغانستان راآموزش ومشوره دهند و به ضدتروریسم، القاعده وگروههای مربوط به داعش که اخیراً دربرخی قسمت های افغانستان درماه جنوری سربالاکرده اند، آماده سازند. در حالیکه انتظاربرده میشودکه شمار سربازان امریکاتااخیرسال تا ۵۵۰۰ سرباز کاهش یابد، آقای جان کیری بیان داشت که رئیس جمهوراوباما درین مورد باقوماندانهای نو امریکایی وناتو درافغانستان مشوره می نماید. جنرال جان نیکلسن پیش ازآنکه نظریات خودرا ارائه کند، اوضاع جاری را ارزیابی میکند .

اظهارات کری پیش ازدیداربا غنی وعبدالله، حکایت ازآن داشت که ادامهٔ پرخاش ومنازعه میان هردو زعیم(غنی وعبدالله) علیه یکدگر محل نگرانی می باشد. وی ادامه داد: (لازم است که یقین حاصل شود که حکومت وحدت ملی به هراقدام ممکن مبادرت ورزد تا متحد باقی بماند وآنرا به مردم افغانستان بنمایاند.) غنی پسانتردرکنفرانس مطبوعاتی باوزیرخارجهٔ امریکا ظاهرشد، از رئیس جمهورامریکاتشکر کردکه دربارهٔ سطح حضورنظامیان امریکا در افغانستان، انعطاف پذیر میباشد. وی یکباردیگرتعهد حکومت خودرا درآوردن اصلاحات و مبارزه علیه فساد تجدید کرد.

افغانستان باید مواردپیشرفتهای خودرابصورت خیلی واضح درنشست های جهانی، بویژه درکنفرانسهای قریب الوقوع وارسا وبروکسل، پیش ازآنکه تقاضای خودرابخاطر ادامهٔ کمکها ارائه دهد، به نمایش گذارد. غنی اظهارکرد باید اتحاد ویکدلی ملی ومسئولیت صنف سیاسیون بخاطربرآورده شدن یک ضرورت خاص ماتحکیم گردد.

رهبران حکومت افغانستان که سندسیاسی جان کری آنهاراباهم یکجا ساخت، درموردشماری ازمسایل سیاسی باهم رودر رونمی بینند و مخالفتهایشان واکنش حکومت راکاهش داده است. درماه سپتمبر پارسال طالبان قندز راتصرف کردند، پس ازسقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱، قندز اولین شهربزرگ بودکه به تصرف طالبان درآمد. درین اواخر طالبان ساحاتی درجنوب افغانستان در ولایت هیرمندبدست آورده اندکه تهدیدبزرگ به۱۴ولسوالی آنولایت میباشد.

درزمان شدت خشونتهای سال پار که منجربه تلفات تقریباً شش هزار سرباز قوای امنیتی افغانستان گردید. مقامات بلندامنیتی ازسوی سرپرستان که تایید شورای ملی رانداشتند اداره میشد. وزیردفاع حتابا وجود نداشتن تایید پارلمان هنوزهم وزیردفاع میباشد. رئیس امنیت ملی و وزیرداخله باپخش بیانات تندعلیه حکومت ازوظایف شان استعفا دادند. بالاخره پس ازماهها بلاتکلیفی، وزیرنو داخله تایید شورای ملی راحاصل نمود، درحالیکه هردورهبرحکومت بالای تعیین رئیس عمومی امنیت ملی به توافق نرسیده اند، روزی که وزیرداخله ازجانب شورا قبول شد، پست دادستان کل هم که یکسال ونیم خالی بود، باتایید شورا تعیین گردید.

درحال وخیمترشدن اوضاع امنیتی، بدترشدن دورنمای اقتصادونا معلوم بودن آینده، بسیاری ازجوانان ومردم متوسط قانع شده اندکه زندگی درجاهای دیگر برایشان بهتر اززندگی درافغانستان میباشد. ده هاهزارافغان باقبول خطر سفردر آبهای طغیانی رابرای رسیدن به اروپا، حتا پس ازبندشدن مرزها برگزیده اند.

موافقتنامهٔ که بامیانجیگری وزیرخارجهٔ امریکا نهایی شد، پیشبینی کرده بود که درجریان دوسال لویه جرگه دایرشود، قانون اساسی ترمیم گردد وراه را برای نخست وزیری عبدالله ازریاست اجراییه باز کند. برای جلوگیری ازتقلب درانتخابات های آینده، موافقتنامه تغییرکامل پراسس انتخابات راتقاضاکرده بود. حالا که شش ماه به ضرب الاجل معینه باقی مانده است، آقایان غنی وعبدالله اختلاف شدید برتخنیک ونوع تغییرکامل پراسس انتخابات دارند، غیرمحتمل می نمایدکه آنهاقادر شوند شرایط راتاوقت وصوف ضرب الاجل پوره کنند.

یک ائتلاف مرکب ازمامورین سابق حکومت که ازحکومت کنونی ناراض شده اند، بادرنظرداشت ضرب الاجل، انتقادخودراشدیدتر ساخته است. بسیاری از آنها حتاگفته اندکه حکومت ازیک موافقتنامهٔ سیاسی تولدیافته است، مشروعیت خودرادرماه اکتوبردرصورتیکه هردو رهبرحکومت وعده های خود راکه درموافقتنامه پذیرفته اند، ایفا نکنند ازست میدهد. باآنهم جان کیری درکنفرانس مطبوعاتی با اشرف غنی(احمدزی) گفت حکومت ائتلافی تاریخ انقضاندارد : (اجازه دهیدکه بصورت خیلی خیلی روشن اظهارکنم که موافقتنامه ایکه به میانجیگری من به میان آمده است، آقای غنی آنراامضاکرده و آقای عبدالله هم آنراامضانموده، تاریخ ختم ندارد ودرپایان دوسال ویا شش ماه فسخ نمی گردد، موافقتنامه یک سندحکومت وحدت ملی ومشارکت ملی است که مدتش پنج سال میباشد.)

مامورین غربی وافغانی اظهارمیکنندکه شماری ازمشاوران غنی برداشت متفاوت دارند ونتیجهٔ متفاوت راپیشبینی میکنند. اوشان فکر مینمایند که بادرنظر داشت ضرب الاجل، آقای عبدالله را ازصحنه دور سازند وادعامیکنندرحالیکه مدت مقام ریاست اجراییه ختم میشود، رئیس جمهورغنی هنوزهم دارای صلاحیت انتخاباتی میباشد، انتخاباتی که بازرسهای سازمان ملل متحد آنرابی عیب تشخیص داده اند! ولی مامورین امریکایی به طرفداران آقای غنی گفته اندکه گزینش این راه قابل قبول نبوده ونمیباشد. حکومت تازمانی مشروع بوده میتواند که هردونفر(غنی وعبدالله) درآن حضورداشته باشند./

****

مسافرت ناگهانی وزیرخارجهٔ امریکا (دنباله ازصفحهٔ دوم)

که وزیرمالیه ضامن دونفری شدکه ملیونهادالرسرمایهٔ بانک راغارت کرده اند.

حال سئوال اینست که این وزیرمالیه متهم به تضمین دونفرشدو لهذا توقع این بودکه این وی تحت مراقبت پلیس قرارمیگرفت وممنوع الخروج میشد، اما غنی، نخست اورامشاورخودساخت بعدهم اگریمان اورابرای یک سفارت صادر کرد. آیادرجهان چنین سابقهٔ وجود دارد؟ پاسخ اینست: رئیس جمهوربا متخلفین همکار وهمدست است ولهذا این ادعا محض فریب دادن مردم تلقی میشود.

رئیس جمهورافغانستان همچنان ادعاکردکه به برابری اقوام متعهد هستم . اینهم یک تظاهردیگر! بصورت مثال وزیردفاع رامطرح می کنیم. آقای ستانکزی که ازطرف غنی برای اخذرأی اعتمادبه ولسی جرگه معرفی شده بود، بااکثریت آرا ردشد، ولی رئیس جمهوربازهم بحیث سرپرست به بقای او دروزارت دفاع اصرار ورزید، فقط برای اینکه این آقا پشتوزبان است وچون درمسایل سوق واداره وزارت دفاع، مخصوصاً درین شرایط بسیار حساس کشور، تجربه و دانشی ندارد، که سبب سقوط ولایت قندز شد. درحالیکه وزارت دفاع رجالی در فهرست خود داردکه دانش وبینش کافی برای ادارهٔ این وزارت دارند، ولی دریغ که پشتوزبان نیستند، لهذا ازاشغال این کرسی محروم شده اند !

حقیقت اینست که مردم افغانستان مخصوصاً روشنفکران این دیار، همه جهان دیده وباتجربه میباشند وبایک فشار روی تکمهٔ کمپیوتر همهٔ مسایل ملی وبین المللی آگاه میسازند. بدین ترتیب، ریا وتظاهر زمامداران افغانستان برای هیچکس پوشیده نمی ماند. /

****

مزایای اقتصادی پروژهٔ کاسا ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

نواقص اقتصادی : از نگاه اقتصادی قیمت برق وارداتی ثابت نیست وقیمت توسط کشورویا کشورهای صادرکننده تثبیت میشود وقیمت همیش درنوسان است وقرارداد های اقتصادی هم زمان محدود دارد. برای عقدقرارداد جدید کشورصادر کننده شاید قیمت بلندتر تقاضا کند، که افزایش قیمت انرژی برق برای شهروندان کشوربا عاید ثابت وکارخانه های تولیدی نتیجه ناگواراقتصادی رابارخواهدآورد، مثال برجسته آن افزایش قیمت برق اوزبیکستان درچند ماه اخیر بود که قیمت فی کیلوات برق را به یک سنت بلند برد وایران هم قیمت برق خودرادوسنت افزایش دادکه یک تاثیرناگواربرای مستهلکین و کارخانه های تولیدی کشورایجاد نمود .

پالیسی برق وارداتی باید بتدریج تغییر کند، کشورماآبهای خیلی دارد وهفتاد فیصدآبهای مابدون استفاده به کشورهای همسایه سرا زیرمیشود که یک سرمایه بزرگ ملی است، مشکل بزرگ افغانستان مهارنمودن آبها ونبود بندهای آب که ازآن برق (هیدرو الکتریک) تولیدکند میباشد. درحالیکه شرایط مساعد اعمار بندهای آب کوچک متوسط وبزرگ درکشورموجود است ولی متا سفانه ازسال ۲۰۰۱تا امروز وزارت آب وبرق یک پالیسی استفاده ازآب را درداخل کشورنداشته درفعالیتهای خویش درظرف چهارده سال ناکام بوده است. بندهای بزرگ آب درست است که زمان گیر وسرمایه گذاری بزرگی ایجاب میکند، ولی بندهای آب کوچک و متوسط که انرژی محدودبرق تولیدکندوبه آبیاری زمینهای زراعتی کمک کند، سرمایه بزرگی را ایجاب نمیکند بخوبی تقاضای همان منطقه را مرفوع ساخته میتواند. کشور چین توانست که با احداث بند های کوچک آبیارهم برق تولید کند وسرزمین چین را سیرآب سازد باید برای احداث بند های کوچک از تجربه کشور چین آموخته شود .

درمورداحداث بندهای آبیاری وتولید انرژی برق (هیدرو الکتریک) مضامین زیر توسط این نویسنده به نشرات بیرون مرزی وشبکه های اجتماعی و انترنتی به نشررسیده : ۱ـ کشور قحطی زده سالانه پنجا بلیون دالر به ممالک همجوار اهدا میکند. ۲ـ تشنجات سیاسی آینده جهان روی آب است. ۳ـ پروژه بند داسودرپاکستان آب دریای کابل راطورمجانی تصاحب خواهد نمود .

****

بررسی اجمالی ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

جناب باری جهانی هرباری که بدیدن خانواده خویش تشریف شریف را می آورند با همان تکت اول لمبر کلاس موج گل می آیند و آب بقا می روندو در کابل نیزاسباب و وسایل اقامتگاه شان از کاغذ تشناب اول لمبرگرفته تاظرف شویی وکیسه آشغال از بودجه وزارت اطلاعات وفرهنگ برای این وزیر بی فرهنگ بدستورنامبارک خودش خریده شده حتی چندقبل خرج تداوی دندان هایش ازبودجهٔ وزارت پرداخت شد، درهمین دوسه هفته پیش که به امریکا تشریف آوردودرتصادم موترزخمی شد،نیزهزاران دالراز بودجه وزارت دولت خداداد اوغانستان را به شفاخانه های امریکا داده شد وباده دوازده هزار دالرپول تکت اول لمبرکلاس به کابل برگشت ! اما دراینکه آیا تابعیتش کمافی السابق امریکایی هست یانه ؟ باید پارلمان افغانستان از این جناب استفسار نماید.

شوری صلح که به آخرین مسخرگی وجزضایع شدن بیت المال و وجهه دادن به دشمنان دین، آزادی، زن، قانون وانسانیت هیچ چیزی حاصل ندارد، و آن هم از دادگستریی که کارکنانش نه شرم دارند و نه حیا نه امانت را می شناسند و با صداقت که از بیخ دشمن انند.

درآخر(جامه نیرنگ شیطان) شعری ازعارف بزرگ میرقطب الدین محمد عنقا وصف الحال جریانات کنونی میهن؛ را باهم میخوانیم:

جامه نیرنگ شیطان نیست یکرنگ ای پسر
تا شناسی از لباسش در خفا و در جهار
رنگ ها دارد که گویم از هزارانش یکی
همچو بلبل نغمه های دلفریبستش هزار
صورت انسان نقاب روی خود سازد ز مکر
تا که بی تشویش جنس خویش را سازد شکار
او ز دام اهل دعوی صید خود آرد به کام
و زبان خلق، خلق خویش بدهد انتشار
گاه گویدحاصل ازخلقت بود این زندگی
گاه گوید واصلم نبود مرا با خلق کار

(دنباله درصفحهٔ هفتم)

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.
مطمئن باشید ازشما ممنون می شوند .